

# واکاوی نسبت دین و دولت در عربستان سعودی؛ با تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۶/۱۶

شماره مسلسل: ۲۰۹۵۳

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

واکاوی نسبت دین و دولت در عربستان سعودی؛ با تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی

نوع گزارش: طرح / لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □ پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر:

مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف)

تهیه و تدوین کنندگان:

نعیم شرافت (استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره))، سعید نریمان (استادیار و عضو هیئت علمی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی)

مدیر مطالعه:

سینا عصاره‌نژاد دزفولی (گروه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف)

ناظر علمی:

موسی بیات

ناظران علمی خارج از مرکز:

داریوش درویشی (دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگر حوزه عربستان)، احمد بیگلری (استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک)

اظهار نظر کننده خارج از مرکز:

سجاد چیت فروش (استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس دانشگاه جامع امام حسین (ع))، محمد بهرام‌پور (دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ابوالفضل ولوی (عضو هیئت علمی دانشگاه علمی کاربردی تهران)، داود کریمی‌پور (استادیار و عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشکده امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی)، حمید عابدی (مدیر اندیشکده برندسازی ملی)، یاسر قزوینی حائری (استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)

گرافیک و صفحه‌آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:

۱. عربستان سعودی
۲. دیپلماسی دینی
۳. رابطه العالم الاسلامی
۴. مرکز بین‌المللی ارتباطات فرهنگی ملک عبدالعزیز
۵. سند چشم‌انداز ۲۰۳۰
۶. مرکز جهانی مبارزه با اندیشه‌های افراطی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۱۱/۱



## فهرست مطالب

۷	چکیده
۸	خلاصه مدیریتی
۱۰	۱. مقدمه و بیان مسئله
۱۱	۲. مروری بر تاریخچه دیپلماسی دینی عربستان سعودی
۱۱	۲-۱. دوره تأسیس و اتحاد دینی - سیاسی
۲۱	۲-۲. دوره شکل‌گیری دولت مدرن آل سعود (دوره دلارهای نفتی و توسعه دیپلماسی دینی وهابیت)
۱۳	۲-۳. دوره چالش حکومت با وهابیت سنتی و شکل‌گیری وهابیت درباری و هدایت اعتراضات دینی داخلی به عرصه بین‌الملل
۱۴	۲-۴. دوره مبارزه با اسلام سلفی و بازنگری در سیاست‌های تبلیغی
۱۵	۲-۵. جمع‌بندی پیشینه تاریخی دیپلماسی دینی عربستان سعودی
۱۶	۳. کارکردهای فرهنگی - اجتماعی نهادهای دینی فعال در عرصه دیپلماسی دینی عربستان
۱۶	۳-۱. سازمان هم‌بستگی کشورهای اسلامی
۱۹	۳-۲. مرکز بین‌المللی ارتباطات فرهنگی ملک عبدالعزیز
۱۹	۳-۳. مجمع جهانی جوانان مسلمان
۲۰	۳-۴. مرکز جهانی مبارزه با اندیشه‌های افراطی
۲۱	۴. سیاست‌ها و راهبردهای دولت جدید عربستان در حوزه دیپلماسی دینی در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰
۲۲	۴-۱. کاهش اختیارات وهابیت در ساختار سیاسی کشور و ترویج نسخه اسلام مدرن سعودی
۲۲	۴-۲. تربیت رهبران و مبلغان اسلام معتدل در سراسر جهان
۲۵	۴-۳. گسترش گردشگری مذهبی مبتنی بر چشم‌انداز ۲۰۳۰
۲۶	۴-۴. ویژندسازی برای هویت ملی جدید عربستان
۲۸	۵. چالش‌های پیش‌روی عربستان در مسیر بازتعریف تصویر بین‌المللی خود
۲۸	۵-۱. تعارض هویتی میان ناسیونالیسم دولتی نوظهور و مرجعیت تاریخی دین سنتی
۲۹	۵-۲. فقدان مشروعیت اجتماعی و اصالت فرهنگی در روایت‌های رسمی دولت‌محور
۲۹	۵-۳. وابستگی ساختاری به سرمایه‌گذاری خارجی در بازتعریف هویت فرهنگی و نمادین
۲۹	۵-۴. نمایش ظاهری مدرنیزاسیون، بدون توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و نهادهای مشارکتی
۳۰	۵-۵. ارتقای سطحی جایگاه زنان بدون لحاظ پیوست‌های فرهنگی و اقناع‌نخبگانی و اجتماعی
۳۰	۵-۶. خلأ در حافظه تاریخی مشترک و ناتوانی در بازسازی قهرمانان فرهنگی ملی
۳۰	۵-۷. مقاومت اجتماعی در برابر پیاده‌سازی اصلاحات فرهنگی
۳۱	۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها
۳۳	منابع و مآخذ

## فهرست جداول

۱۶	جدول ۱. مأموریت‌ها و نهادهای تأسیسی رابطه العالم الاسلامی از ابتدا تاکنون
۲۳	جدول ۲. آمار هزینه‌های صورت گرفته در ۲۰ سال اخیر در حوزه دیپلماسی دینی عربستان



## واکاوی نسبت دین و دولت در عربستان سعودی؛ با تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی

10.22034/report.mrc.2025.1404.33.6.20953

چکیده



این گزارش به بررسی تحولات دیپلماسی دینی عربستان سعودی در بستر تقابل سنت و مدرنیته در سده اخیر پرداخته است و تلاش دارد که با تحلیل روندهای فرهنگی، دینی و سیاسی اخیر عربستان، تصویری جامع از نحوه مواجهه این کشور با چالش‌های هویتی و تمدنی آن ارائه دهد. عربستان، به‌عنوان یکی از کشورهای کلیدی در جهان اسلام تحت تأثیر فشارهای جهانی و ضرورت‌های داخلی، طی سال‌های اخیر دست به اصلاحاتی گسترده زده که هدف آن بازتعریف جایگاه بین‌المللی، کاهش نفوذ وهابیت، ترویج نوعی از اسلام مدرن و توسعه گردشگری مذهبی است. همچنین، اقدامات گسترده‌ای برای ارتقای تصویر جهانی، بازسازی هویت ملی جدید و گسترش نقش اجتماعی زنان صورت گرفته است. این اصلاحات را می‌توان در راستای تثبیت قدرت سیاسی و مهندسی هویت دینی دانست، اما این نوسازی با چالش‌هایی روبه‌رو است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: «تعارض هویتی میان ناسیونالیسم دولتی نوظهور و مرجعیت تاریخی دین سنتی»، «فقدان مشروعیت اجتماعی و اصالت فرهنگی در روایت‌های رسمی دولت‌محور»، «وابستگی ساختاری به سرمایه‌گذاری خارجی در بازتعریف هویت فرهنگی و نمادین»، «نمایش ظاهری مدرنیزاسیون، بدون توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و نهادهای مشارکتی»، «ارتقای سطحی جایگاه زنان بدون لحاظ پیوست‌های فرهنگی و اقناع نخبگانی و اجتماعی»، «خلأ در حافظه تاریخی مشترک و ناتوانی در بازسازی قهرمانان فرهنگی ملی»، «مقاومت اجتماعی در برابر پیاده‌سازی اصلاحات فرهنگی». این تغییرات در عربستان می‌تواند فرصت‌هایی مانند «امکان توسعه تعاملات هدفمند با نخبگان فرهنگی و علمی عربستان» و «تمرکز بر تهدیدات مشترک فراملی با تأکید بر گفتمان وحدت اسلامی از منظر حقوق بشر اسلامی» را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد.



## شرح / بیان مسئله

امروزه یکی از مسائل بنیادین جهان اسلام، بازتعریف نسبت دین و دولت در پرتو تحولات فرهنگی و اجتماعی معاصر است. در این میان، کشورهای پیشینه دینی و تاریخی مانند عربستان سعودی، به دلیل سابقه ظهور اسلام و جایگاه دینی ویژه، موقعیتی ممتاز برای تحلیل این تعامل دارند. عربستان، امروز با اجرای برنامه توسعه‌ای چشم‌انداز ۲۰۳۰ و در واکنش به فشارهای داخلی و بین‌المللی، تلاش دارد که با فاصله گرفتن از اسلام سلفی و ترویج نسخه‌ای معتدل از اسلام، الگویی از دولت مدرن در جهان اسلام ارائه دهد. این رویکرد در قالب پروژه‌ای تحت عنوان «مدیریت تصویر عربستان» در دیپلماسی فرهنگی آن تعریف می‌شود و بر بازسازی هویت ملی جدید سعودی مبتنی است. تحولات اخیر که در تقاطع سنت اسلامی و الزامات دنیای مدرن رقم می‌خورند، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای بازیگران منطقه‌ای ایجاد کرده‌اند. بر این اساس، گزارش حاضر با تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی جدید عربستان و جایگاه دین در این تحولات و بازطراحی‌ها، به بررسی نحوه مواجهه آن با الزامات دنیای مدرن و ارائه راهکارهایی برای بهره‌گیری از اصلاحات فرهنگی - اجتماعی عربستان در جهت تقویت جایگاه راهبردی ایران در منطقه می‌پردازد.

## نقطه‌نظر / یافته‌های کلیدی

### الف) تحلیل تاریخی رابطه دین و دولت در عربستان سعودی

تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که این کشور در چهار دوره کلیدی به تکامل و تحول دیپلماسی دینی خود پرداخته است:

**دوره اول:** «دوران تأسیس» که با شکل‌گیری بنیادهای اولیه دولت و هماهنگ شدن حاکمیت آل سعود با تفکر سلطه‌گر ابن عبدالوهاب آغاز شد.

**دوره دوم:** دوران شکل‌گیری دولت مدرن است که دلارهای نفتی به نهادسازی و تقویت نفوذ سیاسی و هابیت کمک کردند.

**دوره سوم:** مهم‌ترین خصیصه این دوره چالش با وهابیت سنتی است که حاکمیت به شکل‌گیری وهابیت دولتی یا به تعبیر دیگر، وهابیت درباری روی آورد و اعتراضات داخلی را سرکوب و در عین حال تلاش کرد تا این اعتراضات را به عرصه بین‌المللی هدایت کند، مانند مداخله در افغانستان و توسعه مدارس و مراکز اسلامی و مساجد در سراسر جهان.

**دوره چهارم:** مربوط به مبارزه با اسلام سلفی و اصلاحات فرهنگی - اجتماعی است که نمایانگر تلاش عربستان برای بهبود تصویر جهانی خود و تطبیق با نیازهای مدرن است.

### ب) مروری بر اصلاحات فرهنگی - اجتماعی جدید عربستان

دولت جدید عربستان، تلاش دارد با بازتعریف هویت ملی، چهره‌ای متسامح، مدرن و غیرسیاسی از اسلام ارائه دهد و از اسلام با قرائت وهابیت فاصله بگیرد. در همین راستا، نقش سیاسی وهابیت به حاشیه رانده شده و وظیفه ترویج اسلام معتدل به نهادهایی چون «رابطة العالم الاسلامی» و «مرکز اعتدال» سپرده شده است. از دیگر سیاست‌های مهم عربستان، تربیت مبلغان اسلام میانه‌رو از طریق دانشگاه‌های داخلی است. همچنین، با تعدیل حمایت از مراکز تندرو در کشورهای مختلف، سرمایه‌گذاری در ساخت نهادهای دینی و فرهنگی در خارج از کشور با رویکردی کمتر سیاسی و بیشتر اجتماعی ادامه یافته است. در حوزه گردشگری مذهبی، پروژه «ضیوف الرحمن» به عنوان یک برنامه کلان اقتصادی تعریف شده که با هدف استانداردسازی و تجاری‌سازی تجربه حج و عمره، ضمن جذب سرمایه، به دنبال تنوع‌بخشی به اقتصاد عربستان است. هر چند این برنامه موجب توسعه خدمات و اشتغال شده، اما انتقادهایی نسبت به نادیده گرفتن ابعاد معنوی مناسب مذهبی به همراه داشته است. در کنار این سیاست‌ها، عربستان با تأکید بر ساخت هویت ملی جدید مبتنی بر ناسیونالیسم سعودی، تلاش دارد گفتمان سنتی دینی را به حاشیه رانده و تصویر جدیدی از خود در سطح بین‌المللی ارائه دهد. بخشی از این پروژه، گسترش دیپلماسی فرهنگی، مدیریت روایت رسانه‌ای و افزایش مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان است که گرچه با شعار توانمندسازی همراه هستند، اما بیشتر در خدمت ارتقای وجهه جهانی عربستان طراحی شده‌اند.



با وجود اجرای گسترده این سیاست‌ها، دیپلماسی فرهنگی عربستان با چالش‌هایی جدی مواجه است. از جمله، تعارض میان گفتمان ناسیونالیسم دولتی و مرجعیت سنتی دین، موجب شکاف در روایت رسمی هویتی شده است. روایت‌های نوینی چون «تمدن عربستان جدید» یا «اسلام میانه‌رو» به دلیل نداشتن پیوند با حافظه تاریخی و فرهنگ بومی، بیشتر برای مخاطب خارجی ساخته شده‌اند. وابستگی گسترده به سرمایه‌گذاری و الگوهای فرهنگی وارداتی نیز هویتی نمایشی و بی‌ریشه پدید آورده که در سطح داخلی کمتر پذیرفته شده است.

از سوی دیگر، ارتقای جایگاه زنان اگرچه پررنگ و نمادین است، اما به دلیل فقدان پیوست‌های فرهنگی و اقناع‌نخبگان و جامعه، تأثیر پایدار و عمیقی ایجاد نکرده و با الگوی سنتی زن در این جامعه در تعارض است.

نبود چهره‌های فرهنگی الهام‌بخش و ضعف در احیای حافظه تاریخی نیز باعث شده که دیپلماسی فرهنگی عربستان از ارائه روایتی معتبر، وحدت‌بخش و اقناع‌کننده ناتوان باشد.

در نهایت، اجرای شتاب‌زده و از بالا به پایین این اصلاحات، بدون جلب مشارکت اجتماعی و مدنی، با واکنش‌های پنهان و نوعی بی‌اعتمادی عمومی همراه شده که اثر بخشی فرهنگی عربستان را در سطوح داخلی و بین‌المللی با تردید مواجه کرده است.

### پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

تحولات فرهنگی - اجتماعی اخیر عربستان، برای بازتعریف نقش این کشور در نظم منطقه‌ای و جهانی با کاهش نقش نهادهای وهابی، ترویج قرائت‌های مدرن از اسلام، بازسازی هویت ملی و سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی چون هنر، رسانه و ورزش پیگیری می‌شود. این تحولات، هر چند با هدف ارائه تصویری تازه از عربستان به عنوان قدرتی فرهنگی - اقتصادی طراحی شده‌اند، اما به دلیل تضعیف پیوند سنتی میان دین، هویت و قدرت، موجب خلأ معنایی و شکاف هویتی در سطح جامعه و نخبگان سعودی شده است. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ رویکردی چندلایه، غیر تقابلی و ایجابی، از این فضای فرهنگی مزبور بهره گرفته و زمینه‌ساز ارتقای جایگاه خود در منطقه شود. **اولین** راهبرد، ترویج گفتگوی فرهنگی و مذهبی میان ایران و عربستان و تأکید بر اشتراکات دینی و تمدنی است که می‌تواند فضای فرهنگی جدیدی برای نقش‌آفرینی ایران فراهم سازد.

**دومین**، تعامل هدفمند با نخبگان فرهنگی، هنری و دانشگاهی عربستان از طریق برنامه‌هایی چون تبادل علمی، تولیدات مشترک و ترجمه متون، بستری مؤثر برای کاهش تنش و تقویت اعتماد متقابل فراهم می‌آورد. از دیگر ظرفیت‌های مهم، بهره‌گیری از مناسک حج است که می‌توان از آن به عنوان فرصتی برای ترمیم پیوندهای دینی جهان اسلام بهره گرفت.

در حوزه رسانه نیز، ایران می‌تواند با تولید محتوای تاریخی، تمدنی و فرهنگی مشترک ایران و عربستان، تصویر ذهنی هم‌گرایی در مخاطب عربستانی شکل دهد.

همچنین، فعال‌سازی دیپلماسی هنری، شهری و ورزشی، به‌ویژه با تمرکز بر جامعه مدنی و نقش زنان، می‌تواند فضای غیررسمی و پویایی برای تعاملات فرهنگی ایجاد کند.

در کنار اینها، پرداختن به چالش‌های فراملی مشترک نظیر اسلام‌هراسی، افراط‌گرایی مذهبی و مسئله فلسطین، زمینه‌ساز همکاری‌های فرهنگی از موضع وحدت اسلامی خواهد بود.

در نهایت، اتخاذ راهبردی تدریجی و منسجم، می‌تواند ایران را از بازیگری واکنشی به کنشگری فرهنگی فعال تبدیل کند که موفقیت در این مسیر نیازمند بازتعریف نقش نخبگان فرهنگی، انسجام میان نهادهای فرهنگی، دیپلماتیک و رسانه‌ای است.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائل کلان و مهم در تحلیل تحولات جهان اسلام، بررسی نحوه تعامل میان دو جهان فکری و نهادی سنت و مدرنیته است. این تعامل، در نقاط مختلف جهان اسلام شکل‌های گوناگونی به خود گرفته و آینده آن، می‌تواند مسیر تحولات فکری، سیاسی و تمدنی این کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، نهاد دین، به عنوان مهم‌ترین منبع الهام جهان سنت و نهاد دولت به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی مدرنیته، در موقعیتی تعیین‌کننده برای شکل دادن به این تعامل قرار دارند. مطالعه چگونگی مدیریت تعامل این دو نهاد در کشورهای اسلامی و تعادل و توازن شکل گرفته بین این دو جهان، به ویژه در دوره تحولات نوین، امری ضروری برای درک مسیر آینده این جوامع است.

در این میان، عربستان سعودی<sup>۱</sup> به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای اسلامی، واجد ویژگی‌هایی منحصر به فرد است که آن را به یک نمونه مناسب برای بررسی تعامل بین دین و دولت در بستر مدرنیته تبدیل می‌کند. عربستان از یک سو مهد اسلام، محل قرارگیری دو حرم شریف<sup>۲</sup> و دارای سنت مذهبی فربه است و از سوی دیگر، در سال‌های اخیر به ویژه از زمان آغاز اصلاحات گسترده توسط محمد بن سلمان ذیل سند چشم‌انداز ۲۰۳۰، تلاش دارد تا خود را به عنوان الگویی از یک دولت مدرن در جهان اسلام معرفی کرده و به تعبیری سیاست ملی‌گرایی سعودی را جایگزین نسخه اسلام سلفی کند. گزارش حاضر، با تمرکز بر دیپلماسی دینی عربستان سعودی، به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌ها و جبهه‌های تلاقی دین و دولت در حکمرانی فرهنگی عربستان سعودی در سده اخیر، در پی واکاوی سازو کارهای رسمی و غیررسمی بهره‌گیری از دین در راستای اهداف سیاسی، تمدنی و بین‌المللی این دولت است. دیپلماسی دینی عربستان از دیرباز در پی ترویج وهابیت و تثبیت مشروعیت سیاسی داخلی بوده، اما در دهه‌های اخیر، با فشارهای جهانی و ضرورت‌های داخلی، به سمت تفسیرهای میانه‌روتر از دین و نیز ساختن تصویری جهانی از اسلام معتدل حرکت کرده است. این تلاش‌ها در قالب نهادهایی همچون «سازمان هم‌بستگی کشورهای اسلامی»<sup>۳</sup> و «مرکز جهانی مبارزه با افراط‌گرایی»<sup>۴</sup> و دیگر سازو کارهای رسمی پیگیری می‌شوند. لازم به ذکر است که انتخاب نمونه عربستان سعودی برای بررسی این تعامل از چند منظر دارای اهمیت و توجیه است:

در مرتبه اول، عربستان به عنوان رقیب دیرینه مذهبی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، تلاش دارد تا الگوی خود را به عنوان نسخه‌ای مرجع، موفق و قابل‌صدور از حکومت مدرن به جهان اسلام معرفی کند. مدرنیزاسیون سعودی که به دنبال بازسازی تصویر عربستان سعودی در جهان امروز است، به مقوله‌های نوینی همچون توسعه‌گرده‌گری مذهبی، ویزندسازی هویت ملی سعودی، گسترش تعاملات بین مذهبی و بین‌ادیانی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در عرصه رسانه و گسترش نقش اجتماعی و سیاسی زنان روی آورده است که هر یک از این مقوله‌ها فرصت‌های جدیدی برای همکاری‌های مشترک فرهنگی، هنری و علمی میان ایران و عربستان فراهم می‌سازد. مطالعه تجربه عربستان می‌تواند در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی، دیپلماسی دینی و نسبت‌سنجی دقیق‌تر میان سنت و مدرنیته در عرصه بین‌المللی، آموزه‌های قابل استفاده‌ای فراهم آورد.

این پژوهش، مبتنی بر مطالعات اسنادی و نیز مصاحبه با کارشناسان آشنا با تاریخ، جامعه و سیاست‌های ادوار حاکمیت‌های معاصر عربستان، با دغدغه ارائه تصویری دقیق و روزآمد از روندها، بازیگران و چالش‌های دیپلماسی دینی آن در دوره اصلاحات انجام شده است. بنابراین ابتدا به تبارشناسی دیپلماسی دینی و نوع رابطه دین و الگوی دولت-ملت در سده اخیر عربستان پرداخته و سپس با تمرکز بر دوره اصلاحات، مهم‌ترین نهادهای فعال در این عرصه، سیاست‌های اتخاذ شده و چالش‌های آن بررسی و در نهایت مبتنی بر این بررسی‌ها، به واکاوی فرصت‌های راهبردی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌گیری از اصلاحات فرهنگی-اجتماعی عربستان پرداخته شد.

۱. عربستان سعودی (به عربی: أَلْمَمْلَكَة أَلْعَرَبِيَّة أَلسُّعُودِيَّة) با نام رسمی پادشاهی عربستان سعودی (به عربی: أَلْمَمْلَكَة أَلْعَرَبِيَّة أَلسُّعُودِيَّة).

۲. مسجدالحرام در مکه و مسجدالنبی در مدینه.

۳. رابطه العالم الاسلامی.

۴. مرکز العالمی لمکافحة الفكر المتطرف (اعتدال).



## ۲. مروری بر تاریخچه دیپلماسی دینی عربستان سعودی



تاریخ دیپلماسی آل سعود در چند دوره متمایز قابل بررسی است که در هر دوره نوع رابطه حکومت با وهابیت، به عنوان مهم ترین منبع مشروعیت دینی آن، تغییراتی داشته است. این رابطه را می توان در دوره های زیر بررسی کرد:

### ۲-۱. دوره تأسیس و اتحاد دینی - سیاسی

تاریخ دیپلماسی دینی عربستان سعودی به دوره تأسیس این دولت با اتحاد محمد بن سعود<sup>۱</sup> بنیانگذار آل سعود و محمد بن عبدالوهاب<sup>۲</sup> بنیانگذار وهابیت، در قرن هجدهم میلادی بر می گردد. این دوره به تلاش برای تشکیل حکومتی مبتنی بر هم افزایی قدرت سیاسی و ایدئولوژی مذهبی شناخته می شود. محمد بن عبدالوهاب با ترویج دیدگاه های خود در بازگشت به اصول اولیه اسلام، تفکراتی را که تحت تأثیر ابن تیمیه<sup>۳</sup> و احمد بن حنبل<sup>۴</sup> بود، منتشر می کرد.

آرا و نظریات ابن تیمیه شامل تأکید بر حجیت قرآن و حدیث، منع سوگند به غیر خدا، کافر دانستن معتقدان به عقاید دیگر و بدعت دانستن امور نوین بود. او همچنین نظریه تشکیل حکومت در قالب واحدهای خودمختار ابن تیمیه<sup>۵</sup> را مطرح کرد که به آل سعود کمک می کرد که با توجیه «امر به معروف و نهی از منکر»، از ابزار زور برای اعمال حدود استفاده کنند و جهاد را علیه دشمنان خارجی مشروع بشمارند [۱].

ابن عبدالوهاب پس از مخالفت قبایل مختلف، به محمد بن سعود، حاکم در عیه<sup>۶</sup> در نجد پناه برد. تاریخ این اتحاد که سال ۱۱۵۷ ه.ق بیان شده است به عنوان مبدأ شکل گیری دولت آل سعود در در عیه شناخته می شود.<sup>۷</sup> توافقی برای تقسیم مسئولیت ها میان این دو نفر صورت گرفت که در آن ابن سعود مسئولیت های سیاسی و نظامی را بر عهده داشت و ابن عبدالوهاب مسئولیت های مذهبی و قضایی را [۲]. البته امروزه آل سعود، به ویژه شخص محمد بن سلمان، در راستای رویکرد وهابیت زدایی، تاریخ «یوم التأسيس» را به گونه ای باز تعریف کرده اند که آن را به روز تأسیس اولین دولت سعودی در منطقه در عیه در نیمه های سال ۱۱۳۹ ه.ق / ۱۷۲۷ م نسبت می دهند [۳].

توزیع جغرافیایی مذاهب در زمان ظهور ابن عبدالوهاب شامل شیعه ها در شرق عربستان، زیدی ها در عسیر، حنبلی ها در نجد، شافعی ها در حجاز و حنفی ها در شمال بود و همچنین در حجاز برخی مردم معتقد به فرقه های صوفیه همچون سنوسیه، ادریسیه، قادریه، گیلانیه و بکتاشیه بودند [۴].

اتحاد محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود، زمینه ساز تشکیل یک حکومت مرکزی شد که مشروعیت دینی آن را وهابیت تأمین می کرد. این اتحاد که از آن به عنوان پیوندی میان «بال دینی» و «بال سیاسی» یاد می شود، باعث شد که وهابیت مشروعیت دینی برای حکومت آل سعود

۱. محمد بن سعود بن محمد بن مقرن (۱۷۶۵ - ۱۷۱۰ م).

۲. محمد ابن عبدالوهاب بن سلیمان التیمی (۱۲۰۶-۱۱۱۵ ه.ق) (۱۷۹۲-۱۷۰۳ م).

۳. احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه حرانی معروف به ابن تیمیه (۲۰ ذی قعدة ۷۲۸ - ۱۰ ربیع الاول ۶۶۱).

۴. احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادریس بن عبدالله الشیبانی المروزی البغدادی (۲۴۱-۱۶۴ ه.ق).

۵. ابن تیمیه در شرایط بحران مشروعیت سیاسی اهل سنت، به ضرورت تأسیس حکومت در قالب واحدهای خودمختار وابسته به یک مرکز و پذیرش اصل شوکت و قدرت حکومت از طریق زور تأکید می کند تا مسلمانان را در برابر مردان توانمند سازد. او استفاده از زور را به عنوان ابزاری برای اعمال حدود و اجبار مردم در قالب «امر به معروف و نهی از منکر» در حوزه داخلی و در قالب «جهاد» در حوزه خارجی مطرح می سازد. ابن تیمیه بر این باور است که در شرایط ضعف حاکمیت مرکزی، واحدهای خودمختار محلی می توانند به طور مستقل عمل کنند، مشروط بر اینکه این واحدها اصول اسلامی را رعایت کنند. این نظریه می تواند به توازن میان قدرت مرکزی و نیازهای محلی منجر شود، اما بیشتر مورد استفاده وهابیت برای اعمال زور علیه مخالفان قرار گرفت [۱].

۶. الدرعیة (Dir'iyyah)، واقع در شمال غربی ریاض، از سال ۱۷۴۴ تا ۱۸۱۸ میلادی، پایتخت نخستین دودمان و اقامتگاه اصلی خاندان سعود بود که توسط ابراهیم محمد علی پاشا در سال ۱۸۱۸ م این شهر ویران شد.

۷. تاریخ مبدأ آغاز دولت آل سعود مبتنی بر سال اتحاد دینی - سیاسی ابن عبدالوهاب و ابن سعود در کتب تاریخی زیر بیان شده است: کتاب «تاریخ المملكة العربیة السعودیة» (۲۰۱۸ م) تألیف عبدالله العثیمین، کتاب «تاریخ البلاد العربیة السعودیة» (۱۹۹۴ م) تألیف منیر العجلانی، کتاب «محاضرات فی تاریخ الدولة السعودیة الأولى» (۲۰۱۴ م) تألیف عبدالفتاح حسن أبو علیة، کتاب «تاریخ الدولة السعودیة» (۲۰۱۷ م) تألیف امین سعید و کتاب «الأطلس التاریخی للمملكة العربیة السعودیة» (۱۹۹۹ م) تألیف داره الملك عبدالعزيز.

را فراهم کرده و در مقابل، آل سعود حمایت نظامی و سیاسی و مالی لازم برای گسترش آموزه‌های دینی وهابیت در سراسر سرزمین حجاز و دیگر کشورهای منطقه را تأمین کند [۵].

## ۲-۲. دوره شکل‌گیری دولت مدرن آل سعود (دوره دلارهای نفتی و توسعه دیپلماسی دینی وهابیت)

شریف حسین که اجدادش قرن‌ها بر حرمین شریفین حاکم بودند، تا سال ۱۹۲۶م حاکم حجاز بود. عبدالعزیز بن سعود با کمک انگلیس در سال ۱۹۲۴م به حجاز حمله کرد و با تسلط بر مکه و مدینه، کشور عربستان را در مرزهای کنونی شکل داد. عبدالعزیز با بهره‌گیری از آموزه‌های وهابی و ایجاد ارتشی مذهبی به نام «اخوان من اطاع الله»، که از قبایل نجد تشکیل شده بود، توانست پایه‌های حکومت مدرن عربستان را شکل دهد. اخوان به‌عنوان نیرویی ایدئولوژیک و نظامی نقش مهمی در فتوحات عبدالعزیز و گسترش قلمرو او ایفا کرد و در سال ۱۹۳۲م، عبدالعزیز با توسل به آموزه‌های وهابی، تکفیر مخالفان و مشروعیت‌بخشی به جنگ‌های داخلی و خارجی، پادشاهی عربستان سعودی را تشکیل داد [۲]. علمای وهابی، به‌ویژه نوادگان محمد بن عبدالوهاب (آل الشیخ)، در این دوره با تأسیس «هیئت امر به معروف و نهی از منکر»، وظایفی چون صدور فتوا، نظارت بر نظام قضایی و ترویج آموزه‌های وهابیت در سراسر جهان را بر عهده داشتند. این پیوند نه تنها امکان اجرای قوانین شریعت را در مناطق مختلف کشور میسر می‌ساخت، بلکه مشروعیت مذهبی برای حکومت در منطقه و جهان اسلام را فراهم می‌کرد [۶].

اولین چالش دولت آل سعود، عدم پذیرش مظاهر مدرنیته غرب از سوی نیروهای ارتش اخوان و مخالفت آنها با ارتباط ملک عبدالعزیز با قدرت‌های غربی، به‌ویژه بریتانیا بود که منجر به شورش‌هایی در دهه اول دولت آل سعود شد که عبدالعزیز آنها را سرکوب کرد [۷]. بنابراین، هر چند ایدئولوژی سلفی - وهابی با سرکوب مخالفان همراه بود، اما تبدیل به ابزاری برای یکپارچه‌سازی شبه‌جزیره عربستان شد که منجر به تأسیس «المملکة العربیة السعودیة»، یعنی اولین نظام سیاسی مبتنی بر الگوی دولت - ملت مدرن در حجاز گردید. برخی مخالفان، از جمله رهبران قبایل، زندانی یا اعدام شدند تا جایی که عبدالعزیز به «عبدالانجلیز» مشهور شد [۸].

پس از جنگ جهانی دوم و از اواخر دهه ۱۹۴۰، عربستان سعودی شاهد سرازیر شدن دلارهای نفتی آ بود. در حالی که در سال‌های اولیه جنگ به دلیل کاهش تعداد حجاج، مجبور شد تا مبالغ هنگفتی را از انگلستان قرض بگیرد، اما به ناگهان درآمدهای نفتی این کشور به ده‌ها و سپس صدها میلیون دلار افزایش یافت. با این حال، عربستان با چالش‌هایی نظیر رقابت‌های داخلی خاندان سلطنتی، شورش‌های قبیل‌ای و اختلافات ایدئولوژیک مواجه بود. این چالش‌ها به‌ویژه در دوران سعود بن عبدالعزیز با بحران‌های مدیریتی همراه شد که در نهایت به انتقال قدرت به فیصل بن عبدالعزیز در سال ۱۹۶۴م انجامید. فیصل که مشهور به معمار آل سعود است، تلاش کرد تا نهادها و وزارتخانه‌های جدیدی را تأسیس کند [۹].

دوره ملک فیصل با ویژگی‌های بارزی از جمله افزایش درآمدهای نفتی، نوسازی اقتصادی، تحکیم قدرت داخلی و ایفای نقش بین‌المللی همراه بود. کشف و بهره‌برداری از منابع نفتی، عربستان را به یکی از بازیگران اصلی اقتصاد جهانی تبدیل کرده و امکان توسعه زیرساخت‌ها و تأسیس نهادهای آموزشی و بهداشتی مانند دانشگاه ملک سعود و دانشگاه اسلامی مدینه<sup>۴</sup> را فراهم کرد و در سال ۱۹۷۴م ملک فیصل توسط مجله تایم به‌عنوان «مرد سال» اعلام شد [۱۰].

۱. هیئت الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر.

۲. دلار آمریکا، ارز استاندارد است که به‌صورت جهانی برای پرداخت نفت استفاده می‌شود که این امر ناشی از توافقی بین ایالات متحده و عربستان سعودی در سال ۱۹۴۵ است. این توافق باعث شد سایر کشورهای صادرکننده نفت نیز دلار را به‌عنوان پرداخت برای نفت بپذیرند و به این ترتیب، رابطه بین دلار و نفت شکل گرفت. برخی کشورها آن قدر نفت صادر کردند و مقدار زیادی دلار آمریکا انباشتند که نتوانستند همه آن را خرج کنند. بنابراین در تعریف «دلارهای نفتی» باید گفت اگر کشوری که دلار آمریکا را به‌عنوان پرداخت، دریافت می‌کند نتواند تمام آن را خرج کند، این دلارها عملاً از چرخه اقتصادی خارج می‌شوند. دلارهایی که این کشورها قادر به خرج کردن آنها نبودند، به‌عنوان دلار نفتی شناخته شدند [۴۱].

۳. تأسیس ۱۹۵۷م.

۴. تأسیس ۱۹۶۱م.



نقش وهابیت در این دوره بسیار برجسته بود. به عنوان ایدئولوژی رسمی دولت، وهابیت ابزار مشروعیت‌بخشی به قدرت حاکم شد. هیئت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان «پلیس دینی»، نظارتی جدی بر امور اجتماعی و مذهبی داشت و قوانین شریعت به طور گسترده اجرا می‌شد. دولت سعودی با استفاده از درآمدهای نفتی به ترویج وهابیت در داخل و خارج از کشور پرداخت. تأسیس نهادهایی مانند رابطه العالم الاسلامی در سال ۱۹۶۲ م برای گسترش اسلام وهابی نمونه‌ای از این تلاش‌ها بود.

در سطح بین‌المللی، عربستان نقش فعالی در تعیین سیاست‌های نفتی جهان داشت و با تحریم نفتی سال ۱۹۷۳ م علیه کشورهای حامی اسرائیل، جایگاه خود را به عنوان رهبر جهان اسلام تقویت کرد. فیصل بن عبدالعزیز از آموزه‌های وهابی برای مقابله با گسترش ناسیونالیسم سکولار تحت رهبری جمال عبدالناصر<sup>۱</sup> بهره برد، اما این اقدامات انتقادهای زیادی را نیز به دنبال داشت؛ جریان‌های افراطی مبتنی بر وهابیت در داخل و خارج رشد کردند و برخی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی با مخالفت روحانیون مواجه شد [۱۱].

### ۳-۲. دوره چالش حکومت با وهابیت سنتی و شکل‌گیری وهابیت درباری و هدایت اعتراضات دینی داخلی به عرصه بین‌الملل

در این دوره، عربستان سعودی با ترکیبی پیچیده از گسترش نفوذ ایدئولوژی وهابی، گسترش انقلاب‌های چپ جمهوری خواه، چالش‌های داخلی و تحولات بین‌المللی روبه‌رو بود. از جمله اتفاقات اصلی این دوره که بر دیپلماسی دینی عربستان تأثیر بسزایی گذاشت به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- فعالان اخوان المسلمین که از مصر رانده شده بودند، به واسطه نفوذ وهابیت، به عربستان سعودی پناه آوردند و تبدیل به معترضان اصلی سیاست‌های دولت مدرن عربستان شدند.
- در این دوره، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ پیروز شده و همین امر باعث نگرانی حکومت آل سعود از گسترش تفکر اسلام سیاسی در ساختار سیاسی حکومت شد.
- اعتراضات فعالان سیاسی چپ‌گرا در عربستان به منظور برقراری دولتی دمکراتیک به رهبری ناصر السعید<sup>۲</sup> افزایش یافت.
- واقعه تسخیر مسجد الحرام در سال ۱۹۷۹ توسط افراطیون سلفی به رهبری جهیمان العتیبی<sup>۳</sup> اتفاق افتاد.
- جنبش صحوه توسط سلفی‌های سروری<sup>۴</sup>، که با الهام از ایدئولوژی وهابی و گرایش‌های سیاسی در سال ۱۹۹۰ ظهور کرد.<sup>۵</sup> لازم به ذکر است ویژگی بارز جنبش صحوه، اعطای حق اعتراض به مردم بود. یعنی برخلاف مبانی کلامی سلفیت درباری و سلفیت جامی که معتقد به ممنوعیت اعتراض در مقابل سیاست‌های حکومت بودند، اما رهبران جنبش صحوه اعتراض را به رسمیت شناختند [۱۱].
- ظهور جریان سلفی جهادی که نه تنها دولت سعودی را مورد نقد قرار می‌داد، بلکه آن را فاسد و دست‌پرورده «نظام طاغوت جهانی» معرفی

۱. جمال عبدالناصر حسین (۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰-۱۵ ژانویه ۱۹۱۸).

۲. ابو جهاد ناصر السعید الشمری (۱۹۷۹-۱۹۲۳) نویسنده کتاب ممنوعه «تاریخ آل سعود»، یکی از سرشناس‌ترین چهره‌ها در جنبش اعتراض به فساد سیستماتیک آل سعود است. السعید در کنار شخصیت‌های مهمی چون جمال عبدالناصر و یاسر عرفات علیه سیاست‌های آل سعود مبارزه می‌کرد [۴۲].

۳. جهیمان بن محمد الصقری الحافی الروقی العتیبی (۱۶ سپتامبر ۱۹۳۶/۱ رجب ۹-۱۳۵۵ ینایر ۱۹۸۰).

۴. جریان سلفی‌های سروری در دهه ۱۹۹۰ با ظهور الصحوه الاسلامی عرصه سیاسی و اجتماعی عربستان را دستخوش تغییرات قابل توجهی کردند. این جریان که منتسب به محمد سرور زین العابدین عالم سوری الاصل اخوانی است، در دهه ۱۹۸۰ و پس از سرکوب از سوی حزب بعث سوریه، به عربستان مهاجرت کردند و منشأ آثار قابل توجهی بر متون دینی عربستان شدند. شاگردان محمد سرور همچون شیخ سلمان العوده، سفر الحوالی، عائض و عوض القرنی بر این اعتقاد بودند که باید به سمت پذیرش ابزارهای مدرنیته همچون ماهواره، اینترنت و تشکل سیاسی رفت و علما این حق را داشته باشند که تصمیمات ناصحیح پادشاه را در جهت اصلاح امور دین و دنیا نقد کنند. دولت سعودی این حرکت را برنتابید و بسیاری از علمای آن را به زندان افکند. استدلال این بود که این جریان نفوذی اخوان المسلمین در عربستان است و باید حرکت آن از ریشه قطع شود. در مقطع کنونی هنوز سلمان العوده در زندان‌های عربستان است و سایر علمای صحوه یا تواب شده‌اند و یا منزوی گردیده‌اند [۴۳].

۵. این جنبش که ترکیبی از آموزه‌های وهابیت و اندیشه‌های اخوان المسلمین بود، خواهان اصلاحات اجتماعی و سیاسی در چارچوب شریعت اسلامی بود. اگرچه دولت سعودی در ابتدا از این جنبش حمایت کرد، اما با افزایش درخواست‌های آن برای اصلاحات سیاسی، روابط میان دولت و جنبش به‌ویژه پس از جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱-۱۹۹۰) به تیرگی گرایید و منجر به دستگیری علمای این جریان شد [۴۴].

می‌کرد.<sup>۱</sup> این جریان، به‌ویژه پس از بازگشت جهادیون عرب از افغانستان - که پس از خروج نیروهای شوروی به کشورهای خود بازگشته بودند - با سازمان‌دهی و انسجام بیشتری ظاهر شد و چالش‌های جدی امنیتی، سیاسی و ایدئولوژیک برای حکومت آل سعود ایجاد کرد [۱۲]. دولت آل سعود برای سلطه بر اعتراضات دینی و سیاسی، با استفاده از درآمدهای کلان نفتی و نهادهای مذهبی، به دنبال ترویج آموزه‌های وهابیت در سطح جهانی پرداخت تا این‌گونه بتواند فعالان وهابی و سلفی داخل را به کشورهای دیگر اعزام کند. کمک‌های مالی فراوانی که در این دوره به گروه‌های اسلامی، به‌ویژه در افغانستان برای مقابله با نفوذ شوروی و همچنین بوسنی و چین انجام شد، به افزایش نفوذ ایدئولوژیک عربستان و همچنین ظهور گروه‌ها و سازمان‌های تکفیری و تروریستی در سراسر نقاط جهان کمک کرد [۱۳].

به‌کارگیری شخصیت‌هایی مانند «بن باز»<sup>۲</sup> در میدان قدرت از سوی آل سعود، با هدف کنترل و مهار نفوذ آل شیخ صورت گرفت تا جریان وهابیت درباری یا به تعبیری وهابیت ساختگی، که پیش از این نیز برای توجیه عملکرد آل سعود به کار گرفته می‌شدند، رسمیت پیدا کنند. در این میان «هیئت کبار العلما» بیشترین نقش را در هدایت وهابیت درباری بر عهده داشت [۸].

از جمله اتفاقاتی که وهابیت درباری به توجیه اقدامات آل سعود در این دوره پرداختند عبارتند از: صدور حکم اعدام مخالفان چپ آل سعود در جریان بمب‌گذاری سال ۱۹۶۷م،<sup>۳</sup> صدور حکم اعدام العتیبی<sup>۴</sup> و یاران او در سال ۱۹۷۹م، مشروعیت‌بخشی به استقرار نیروهای آمریکایی در خاک عربستان در جریان جنگ کویت<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۱م در برابر اعتراض بن لادن و مجاهدین حامی او،<sup>۶</sup> جواز صلح با اسرائیل در ۱۹۹۴م،<sup>۷</sup> حرام شمردن عریضه‌نویسی توسط گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب که به بیان مطالبات و اعتراضات مدنی خود می‌پرداختند<sup>۸</sup> [۴].

#### ۴-۲. دوره مبارزه با اسلام سلفی و بازنگری در سیاست‌های تبلیغی

در اواخر دوره پادشاهی ملک فهد و اوایل دوره پادشاهی ملک عبدالله، به‌ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، عربستان سعودی تحت فشار بین‌المللی برای مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم قرار گرفت. این فشارها منجر به اجرای اصلاحات در سیاست‌های داخلی و خارجی شد. یکی از اقدامات کلیدی دولت، بازنگری در آموزش مذهبی و نظارت بر مدارس دینی بود. دولت سعودی اعلام کرد که قصد دارد که از ترویج

۱. با تغییر فضای سیاسی در عربستان دهه ۹۰، سلفی‌های جهادی زمینه را برای حرکت‌های انتحاری در عربستان مهیا دیدند که این مسئله با جهاد جهانی و ظهور حرکت القاعده در افغانستان، تقویت و رادیکال‌تر شد. از همان زمان هسته‌های این جریان در داخل عربستان کشف، شناسایی و منهدم شدند و زمینه برای انتقال آنها به خارج از عربستان بویژه در افغانستان و عراق تحت اشغال به خوبی فراهم شد [۴۵].
۲. عبدالعزیز بن باز در سال ۱۳۵۷هجری قمری به مدت چهارده سال کرسی قضاوت را به عهده گرفت و در سال ۱۳۷۲قمری به مدت یک سال در مؤسسه علمی در ریاض دعوت به تدریس و در سال ۱۳۸۱ به‌عنوان نایب‌رئیس دانشگاه بین‌المللی مدینه منوره مشغول به کار شد. بن‌باز در سال ۱۳۹۵ به دستور پادشاه عربستان به‌عنوان ریاست «البحوث العلمیة والافتاء والدعوة والارشاد» درآمد که جایگاه وی در این پست مانند جایگاه یک وزیر در حکومت عربستان بود تا اینکه در سال ۱۴۱۴ قمری به‌عنوان مفتی بزرگ عربستان سعودی به مجلس علما معرفی شد و ریاست هیئت بزرگ علما را تا زمان مرگش به عهده گرفت. وی علاوه بر فعالیت‌های ذکر شده، عضو هیئت‌علمی کبار علما مکه، عضو مجلس اعلاى دانشگاه اسلامی مدینه، رئیس مجلس اعلاى عالمی در مساجد و غیره نیز به شمار می‌رفت. از جمله فتاوی شاذ بن باز می‌توان به شرک شیعه، عدم جواز تقریب مذاهب، عدم جواز یاری گرفتن از کفار در زمان عبدالناصر، وجوب یاری گرفتن از کفار در زمان جنگ کویت، جواز صلح با اسرائیل و غیره اشاره کرد [۴۶].
۳. بمب‌گذاری سال ۱۹۶۷م: در این سال، چندین انفجار در شهرهای عربستان رخ داد که به نیروهای چپ‌گرا و ناصری‌ها نسبت داده شد. حکومت سعودی با کمک علمای وهابی، احکام سختی از جمله اعدام برای متهمان صادر کرد [۴۷].
۴. در این سال، جهیمان العتیبی با گروهی مسلح مسجدالحرام را اشغال کرد. این اقدام به‌سرعت توسط نیروهای سعودی سرکوب شد و العتیبی و یارانش اعدام شدند. وهابیان حکومتی با صدور فتاوی، مشروعیت سرکوب را تأیید کردند [۴۸].
۵. در پی حمله صدام به کویت، عربستان سعودی به نیروهای آمریکایی اجازه داد تا از خاک این کشور برای حمله به عراق استفاده کنند. این اقدام برای نخستین بار پس از تأسیس دولت سعودی بود که حضور گسترده نظامی غرب در عربستان صورت گرفت [۴۹].
۶. اسامه بن لادن و بسیاری از مجاهدان عرب که پیش‌تر در افغانستان با شوروی جنگیده بودند، مخالف حضور نظامیان آمریکایی در عربستان بودند و آن را خیانت به اسلام دانستند [۵۰].
۷. در این سال برخی از علمای دولتی عربستان به رهبری بن‌باز، با استناد به مصالح امت اسلامی، فتاویی در جواز صلح با اسرائیل صادر کردند، درحالی‌که این موضع با مخالفت جریان‌های اسلام‌گرا روبه‌رو شد [۵۱].
۸. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، گروه‌هایی از فعالان سیاسی و روشنفکران سعودی تلاش کردند با ارائه عریضه‌هایی به حکومت، خواستار اصلاحات مدنی و سیاسی شوند. علمای وهابی حامی دولت این اقدام را بدعت و حرام اعلام کردند [۵۲].



اندیشه‌های افراطی جلوگیری کند. در همین راستا برخی متون آموزشی را اصلاح نمود تا تفسیر میانه‌روتری از اسلام ارائه دهد. از سال ۲۰۱۵م و با آغاز ولایتعهدی محمدبن سلمان، عربستان سعودی وارد دوره نوینی از اصلاحات فرهنگی - اجتماعی و ترویج اسلام مدرن اعتدالی با هدف فاصله‌گیری از قرائت سنتی و سیاست‌زده وهابیت و ارائه چهره‌ای نوین از اسلام در سطح بین‌المللی شد. هدف اصلی این اصلاحات شامل اقداماتی مانند اعطای حقوق بیشتر به زنان و افزایش فرصت‌های شغلی برای جوانان با هدف مدرن‌سازی کشور و بهبود تصویر بین‌المللی عربستان بود. تأسیس «مرکز جهانی مبارزه با افراط‌گرایی»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۷م نیز اقدامی نمادین و در عین حال راهبردی برای تقویت این رویکرد بود.

در بُعد دینی، کاهش نقش سیاسی وهابیت به شکلی ملموس دنبال شد. این روند، نه تنها شامل بازنگری در محتوای آموزشی مدارس دینی و نظارت بیشتر بر نهادهای مذهبی بود، بلکه با تغییر رویکرد چهره‌های شاخص جریان وهابی مانند «عائظ القرنی»<sup>۲</sup> به سمت تأیید سیاست‌ها و اصلاحات بن سلمان همراه بود. عائظ القرنی که یکی از علمای پرمخاطب امروز وهابیت است، در مصاحبه‌ای در نقد عملکرد وهابیت در «جنبش صحوه» می‌گوید: «بنده از طرف همه اعضای جنبش صحوه بابت اشتباهات یا سخت‌گیری‌هایی که با قرآن و سنت و روح مداراگری اسلام ناسازگار بوده، عذرخواهی کرده و اعلام می‌کنم که اکنون با اسلام معتدل و گشوده به سوی جهانی میانه‌رو که ولیعهد محمدبن سلمان از آن حمایت می‌کند، همراه هستیم... باید پذیرفت که مواجهه جنبش صحوه با حکومت سعودی اشتباهی راهبردی بوده است» [۱۳]. در مقابل حذف چهره‌های شاخص وهابیت مانند «محمد العریفی»<sup>۳</sup> که به سیاست‌ها و اصلاحات جدید بن سلمان معترض بودند، عملاً جهت‌گیری جدید حکومت در حذف یا حاشیه‌نشین کردن صدای جریان‌های سلفی سنتی را نشان داد. بنابراین مشاهده می‌شود که ترویج اسلام اعتدالی و مدرن هم‌زمان با تشدید کنترل‌های سیاسی و محدودیت‌های فزاینده بر آزادی بیان همراه بود. این تناقض میان اصلاحات فرهنگی - اجتماعی از یک سو و تمرکزگرایی سیاسی از سوی دیگر، به یکی از ویژگی‌های بارز دوره جدید حکمرانی در عربستان تبدیل شده است [۸] و [۱۱].

## ۵-۲. جمع‌بندی پیشینه تاریخی دیپلماسی دینی عربستان سعودی

در جمع‌بندی این بخش باید بیان داشت که تحلیل تاریخی رابطه دین و دولت در عربستان سعودی نشان می‌دهد که این کشور در چهار دوره کلیدی به تکامل و تحول دیپلماسی دینی خود پرداخته است:

**دوره اول:** دوران تأسیس، با شکل‌گیری بنیادهای اولیه دولت و همکاری با وهابیت و هماهنگ شدن حاکمیت آل سعود با تفکر سلطه‌گر و ضد دیگری ابن عبدالوهاب آغاز شد.

**دوره دوم:** در دوران شکل‌گیری دولت مدرن، دلارهای نفتی به نهادسازی و تقویت نفوذ سیاسی وهابیت کمک کردند.

**دوره سوم:** دوره چالش با وهابیت سنتی. در این دوره دولت به شکل‌گیری وهابیت دولتی یا به تعبیر دیگر، وهابیت درباری روی آورد و

۱. المرکز العالمی لمکافحة الفکر المتطرف.

۲. عائظ بن عبدالله القرنی، نویسنده، شاعر و واعظ اسلامی اهل عربستان سعودی است که در ۱ ژانویه ۱۹۵۹ در روستای آل شریح، استان بلقرن به دنیا آمد. او با کتاب «لاتحنن» شهرت فراوانی یافت که بیش از ۱۰ میلیون نسخه از آن به فروش رسیده است. قرنی در دانشگاه اسلامی امام محمدبن سعود تحصیل کرد و در رشته حدیث نبوی به مدرک دکترا دست یافت. او بیش از ۸۰ کتاب در زمینه‌های مختلف دینی و فرهنگی تألیف کرده است. در سال‌های اخیر، با اتهاماتی از جمله سرقت ادبی و سرقت علمی مواجه شد. ترور او در فلیپین با یک میلیون واکنش در فضای مجازی همراه بود [۵۳].

۳. محمد بن عبدالرحمن العریفی الجبری الخالدی، متولد ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۰ در الدمام عربستان سعودی، یکی از چهره‌های برجسته جریان سلفی در عربستان است. او دارای دکترای عقیده و مذاهب معاصر از دانشگاه اسلامی امام محمدبن سعود و استادیار دانشگاه ملک سعود بود. العریفی با تألیف بیش از ۸۰ کتاب و فعالیت‌های گسترده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در میان جوانان مسلمان، شهرت یافت. از سپتامبر ۲۰۱۵، تعداد دنبال‌کنندگان محمد العریفی در ایکس به بیش از ۱۲ میلیون نفر رسید که این موضوع حساب کاربری او را در رتبه نخست پرمخاطب‌ترین شخصیت‌ها در خاورمیانه قرار داد و همچنین در میان ۱۰۰ شخصیت پرمخاطب جهان، در رتبه‌های نخست جای داد، تا آنجا که طی یک سال تعداد دنبال‌کنندگان او به ۲۱ میلیون نفر در ایکس و ۲۲ میلیون نفر در فیسبوک رسید، اما اعتراضات او به اصلاحات دینی محمدبن سلمان و حمایت پسر او از اخوان المسلمین، کم‌کم با فشار سیاسی بر او همراه شد، تا اینکه با زندان رفتن فرزندش نقش عمومی او کاهش یافت و از عرصه رسمی مذهبی کنار گذاشته شد و حساب ایکس و وبسایت رسمی او نیز بسته شد [۵۴].

اعتراضات داخلی را سرکوب کرد، در عین حال تلاش کرد تا این اعتراضات را به عرصه بین‌المللی هدایت کند، مانند مداخله در افغانستان و توسعه مدارس و مراکز اسلامی و مساجد در سراسر جهان (به‌عنوان پایگاه وهابیت جهادی).

**دوره چهارم:** دوره مبارزه با اسلام سلفی و اصلاحات فرهنگی - اجتماعی نمایانگر تلاش عربستان برای بهبود تصویر جهانی خود و تطبیق با نیازهای مدرن است. این تحولات، نشان‌دهنده زمینه‌های پیچیده دیپلماسی دینی در ساختار قدرت عربستان سعودی است که همواره تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی بوده است.

با مروری بر دوره‌های تاریخی فوق و به‌ویژه دوره اصلاحات جدید، مشاهده شد که همواره در عربستان قدرت در دست حاکم یا نخبگان حاکم متمرکز است و نهادهای اجتماعی که باید واسطه میان جامعه و دولت باشند، به ابزارهایی برای حفظ قدرت تبدیل می‌شوند. دولت تسلط‌گرا از منابعی همچون نفت برای جلب وفاداری استفاده کرده و نهادهایی مانند دین و قبیله را تحت کنترل درمی‌آورد. دولت آل سعود از دین برای مشروعیت‌بخشی به قدرت خود بهره می‌برد و قبیله و هویت ملی را نیز به ابزاری برای کنترل جامعه تبدیل می‌کند و هر جا دین و ملیت را در تضاد با قدرت و منافع سیاسی خود ببیند، از آنها نیز فاصله می‌گیرد. علاوه بر این، این دولت به شدت به اقتصاد نفتی وابسته است و برای حفظ وفاداری عمومی از مزایا و خدمات اقتصادی استفاده می‌کند. در این نظام، هرگونه فعالیت سیاسی مستقل سرکوب می‌شود و مخالفان از طریق دستگاه‌های امنیتی و نظامی کنترل می‌شوند. این دولت‌ها «مدرنیزاسیون ظاهری» را به نمایش می‌گذارند که نمادهایی از پیشرفت همچون زیرساخت‌های مدرن و رسانه‌های جدید را به دنبال دارند، اما در واقعیت این فرایند، مدرن شدن در سیاست و جامعه ریشه ندارد. این سیستم‌ها در حالی که خود را مدرن نشان می‌دهند، هرگونه حرکت به سوی دمکراسی را تهدیدی برای تمرکز قدرت می‌دانند و از آن جلوگیری می‌کنند. در این میان می‌توان به محدودیت‌های سیاسی، سرکوب آزادی‌ها و عدم پایداری سیاسی در این سیستم‌ها اشاره کرد و آنها را زمینه‌ساز مخالفت‌های داخلی دانست که در بلندمدت ممکن است ثبات این دولت‌ها را تهدید کند [۱۴].

### ۳. کارکردهای فرهنگی - اجتماعی نهادهای دینی فعال در عرصه دیپلماسی دینی عربستان

#### ۳-۱. سازمان همبستگی کشورهای اسلامی<sup>۱</sup>

می‌توان گفت با نفوذترین و فعال‌ترین نهاد دینی در حکومت آل سعود که نقش مهمی در دیپلماسی دینی و گسترش اسلام مدرن اعتدالی و ترویج سیاست‌های آل سعود در جهان اسلام ایفا می‌کند، سازمانی با عنوان «رابطه العالم الاسلامی» است. تأسیس این سازمان در سال ۱۹۶۲م به دستور ملک فیصل، با هدف ترویج آموزه‌های سلفی - وهابی و مقابله با ایدئولوژی‌های رقیب صورت گرفت. محمدناصر العبودی، معروف به «شیخ الرحالین»، به‌عنوان رئیس «جامعه الاسلامیه» و بنیانگذار این سازمان که توسط بن‌باز به ملک فیصل معرفی شده بود، با سفرهای متعدد خود به مناطق مختلف، از جمله شوروی سابق، خاورمیانه، آفریقا، آمریکای جنوبی، آمریکای لاتین، کشورهای اروپای شرقی و اروپای غربی، آسیای میانه، هندوستان و آسیای شرقی ارتباطات گسترده‌ای با مسلمانان برقرار کرد و منابع مالی قابل توجهی را برای تأسیس مراکز دینی و مساجد در نقاط مختلف جهان در جهت تحقق اهداف عربستان تأمین کرد. العبودی در مقدمه سفرنامه خود با عنوان «آشنایی با اقیانوس آرام از استرالیا تا جزیره گوم»<sup>۲</sup> به ۱۱۷ سفر خود به سراسر جهان اشاره کرده است [۱۵].

در جدول زیر مهم‌ترین فعالیت‌های رابطه العالم الاسلامی و نهادهای تأسیسی آن شرح داده شده است که می‌تواند نمای کلی سیاست‌های حاکم بر دیپلماسی دینی آل سعود در نیم‌قرن اخیر باشد. مهم‌ترین اهدافی که برای این سیاست‌ها در همه این فعالیت‌ها بیان شده است، مبارزه با اندیشه‌های چپ و انقلابی از جمله تفکرات سوسیالیستی عبدالناصری، اخوان المسلمین و تفکر شیعی و همچنین حفظ جایگاه محوریت جهان اسلام است. در جدول زیر عناوین مأموریت‌ها و نهادهای تأسیسی رابطه العالم الاسلامی از ابتدای تأسیس تاکنون بیان شده است. لازم

۱. رابطه العالم الاسلامی.

۲. ألامام بالمحیط الهادی من استرالیا إلى جزيرة غوم.



به ذکر است با وجود تغییرات و اصلاحات اخیر دولت جدید عربستان، نهادهای معرفی شده همچنان فعال هستند، ولی حوزه فعالیت برخی از آنها محدود شده یا مأموریت‌های آنها تغییر کرده است [۱۶].

جدول ۱. مأموریت‌ها و نهادهای تأسیسی رابطة العالم الاسلامی از ابتدا تاکنون [۱۶]

ردیف	عنوان مأموریت	نهاد تأسیسی	اهداف عملیاتی	نمونه فعالیت‌ها
۱	ایجاد شبکه مبلغان و مربیان دینی	تأسیس دفاتر نمایندگی و مدارس اسلامی مرتبط در سراسر جهان	برگزاری دوره‌های اعتقادی، آموزش زبان عربی، توزیع کتاب‌های دینی، برگزاری جلسات وعظ و سخنرانی، نظارت بر عملکرد مبلغان و مربیان دینی آموزش‌دیده در عربستان	راه‌اندازی دفتر نمایندگی ایتالیا، بلژیک، آمریکا، ژاپن، آلمان، برزیل، اسپانیا، اتریش و غنا و مدارس اسلامی پاکستان، بنگلادش، مالزی، نیجریه و ...
۲	تربیت ائمه جماعات و مبلغین در داخل کشور با هدف اعزام به سراسر جهان	«دانش‌سرای تربیت ائمه جماعات و مبلغین» <sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۲ م	تربیت و اعزام ائمه جمعه و مبلغ اندیشه‌های وهابی حامی سیاست‌های آل سعود به سراسر جهان که بیشتر دانشجویان آن از مسلمانان بیش از ۶۰ کشور به‌ویژه کشورهای افریقایی بوده که پس از فارغ‌التحصیلی در مقام امام جماعت و مبلغ دینی با پشتیبانی مادی و معنوی عربستان در کشورهای خود فعالیت می‌کنند.	تربیت ائمه جماعات و اعزام مبلغین به ۶۰ کشور جهان از جمله کشورهای آفریقایی مانند نیجریه، سودان، مالی، غنا، مصر و تونس و حوزه آسیای شرقی مانند مالزی و اندونزی
۳	مدیریت مساجد سراسر جهان	شورای عالی جهانی مساجد <sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۵ م	رسیدگی به امور مساجد از جمله احداث و توسعه آن در سراسر جهان، کمک به اقلیت‌های مسلمان برای ترمیم مساجد، مقابله با اندیشه‌ها و آموزه‌های لیبرالی، چپ و ملی‌گرایانه، حفظ اوقاف اسلامی، احیای رسالت مساجد و حفظ مساجد جهان از تعدی و تخریب	ساخت مسجد نواکشوت پایتخت موریتانی در سال ۲۰۲۴ م، ساخت سه مسجد در مالزی در ۱۰ سال اخیر، ساخت مسجد نیجریه در سال ۲۰۲۳ م، بازسازی مساجد جنگ‌زده بوسنی‌هرزگوین در بیهاچ، فوچا، توزلا و ساریوو در دو دهه اخیر، ساخت مسجد هلسنکی فنلاند و ...
۴	سلطه دینی و سیاسی به واسطه کمک‌های بشردوستانه	هیئت بین‌المللی امدادرسانی اسلامی <sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۹ م	ارسال کمک به کشورهایی که از زلزله، سیل، جنگ و خشکسالی آسیب دیده‌اند، تأمین کفالت ایتم و تأسیس مراکز درمانی، آموزشی و فنی در نقاط مختلف جهان. این هیئت افزون بر امدادرسانی به برنامه‌های تبلیغی نیز می‌پردازد. دفتر مرکزی آن در شهر جدّه است و در ۳۴ کشور جهان نیز دفاتری تأسیس کرده است.	در سال ۲۰۱۵ این مؤسسه از طریق بانک توسعه اسلامی ۷۷ میلیارد ریال به ۳۵ کشور اسلامی کمک کرد که بعد از آمریکا، دومین رتبه را در کمک‌رسانی به کشورهای اسلامی دارد. نمونه فعالیت‌های این مرکز در یک سال اخیر: مدیریت و تأمین نیازهای اولیه آوارگان بحران سوریه و فلسطین، ارائه واکسن‌ها و خدمات بهداشتی عمومی کشورهای آفریقایی، پروژه حمایت از ایتم در کشورهای مغرب عربی، راه‌اندازی پویبش مبارزه با نابینایی در پاکستان، کمک به سیل‌زدگان بوسنی و هرزگوین، سیل‌زدگان نیجریه، سیل‌زدگان جمهوری بروندي، ارسال بسته‌های غذایی به فقرای تانزانیا، تأسیس مرکز حمایت از زنان بیوه و ایتم در آفریقای جنوبی، پروژه بازسازی مناطق محروم کنیا، راه‌اندازی پروژه‌های تأمین آب شرب و کشاورزی در مناطق خشک سومالی، تأسیس بنیاد حمایت از بیماران هپاتیت کنیا و ...

۱. معهد اعداد الاثمة و الدعاء.

۲. المجلس الاعلى العالمى للمساجد.

۳. هيئة الاغاثة الاسلامية العالمية.

ردیف	عنوان مأموریت	نهاد تأسیسی	اهداف عملیاتی	نمونه فعالیت‌ها
۵	کسب مشروعیت از طریق سازمان‌های بین‌المللی	همکاری با سازمان‌های بین‌المللی	استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بین‌المللی برای ترویج اندیشه‌های دینی حامی آل سعود، تثبیت جایگاه محوری عربستان در جهان اسلام، تأثیر بر سیاست‌های آموزشی جهان، تأثیر بر سیاست‌های بشردوستانه جهان، تأمین منابع مالی و انسانی	عضویت در برخی از سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونسکو و یونیسف و مؤسسه‌های وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل و عضو ناظر اجلاس سازمان همکاری اسلامی
۶	مدیریت فقه‌های جهان اسلام	مجمع فقه اسلامی <sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۷ م	با حضور سی تن از فقهای جهان اسلام در این مجمع با هدف بیان احکام شرعی موضوعات جدید، تلاش برای اثبات برتری فقه اسلامی بر قوانین وضع شده بشری، نشر میراث فقه اسلامی و بیان آن با زبان روز، حمایت از پژوهش‌های علمی در زمینه فقه اسلامی، جمع‌آوری فتواها و آرای فقهی معتبر علمای اسلامی و رفع شبهات از احکام شریعت اسلام	برگزاری کنفرانس بین‌المللی فقه و حقوق در نوامبر ۲۰۲۴ در شهر جدّه، همایش فقه اسلامی و چالش‌های معاصر در دسامبر ۲۰۲۳ در قاهره، سمینار بررسی مسائل فقهی جدید مارس ۲۰۲۳ در تونس، کنفرانس فقه و حقوق بشر در آوریل ۲۰۲۴ در بیروت
۷	نفوذ در برنامه‌های آموزشی بین‌المللی	هیئت بین‌المللی اسلامی آموزش <sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۰ م	این هیئت، سیاست‌های آموزشی رابطه‌ی العالم الاسلامی را براساس اهداف کلی آن در کشورهای مختلف به‌ویژه برای اقلیت‌های مسلمان تدوین و اعمال می‌کند.	استفاده از فناوری‌های جدید آموزشی، تهیه بانک اطلاعاتی از سازمان‌ها و مؤسسه‌های آموزشی نقاط مختلف جهان، عرضه برنامه آموزشی به مراکز آموزشی اقلیت‌های مسلمان، برگزاری نشست‌هایی با موضوع تعلیم و تربیت، امضای تفاهم‌نامه همکاری مشترک با مؤسسات آموزشی اسلامی و اهدای وسایل و امکانات آموزشی به مناطق محروم اسلامی
۸	کسب اعتماد و همراهی علمای دینی جهان	انجمن بین‌المللی علمای مسلمان <sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۶ م	دعوت از شخصیت‌های علمی و دینی کشورهای اسلامی به‌منظور تحکیم مناسبات سازمان با علما و اندیشمندان برجسته دینی و ایجاد هماهنگی در مواضع علمای دینی در قبال رخدادهای مختلف	اعضای این انجمن هر سه سال یکبار به ریاست مفتی عربستان جلسه برگزار می‌کنند. دبیرکل این انجمن، دبیرکل رابطه‌ی العالم الاسلامی است. شورای اجرایی انجمن ۲۱ عضو دارد که برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. شورای اجرایی به ریاست دبیرکل هر سال در نشست‌های برنامه‌های کلی انجمن را بررسی می‌کند.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

رابطه‌ی العالم الاسلامی با استفاده از این فعالیت‌ها، تلاش می‌کند تا نفوذ خود را در سطح جهانی گسترش دهد و به‌عنوان نماینده‌ای از جهان اسلام در مجامع بین‌المللی عمل کند. در حال حاضر شیخ محمد العیسی رئیس فعلی این سازمان است. امروز رابطه‌ی العالم الاسلامی با بیش از ۱۱۱ کشور عضو، به‌عنوان یکی از فعال‌ترین و معتبرترین نهادها در جهان اسلام شناخته می‌شود. هدف اصلی این سازمان در پوشش فعالیت‌های تبلیغی و دینی خود، بهبود و ارتقای تصویر عربستان در ذهن مخاطب بین‌المللی و حفظ و گسترش نفوذ عربستان در جوامع مسلمان و غیرمسلمان در نقاط مختلف جهان است.

۱. المجمع الفقهي الاسلامی.

۲. الهیات الاسلامیة العالمیة للتعلیم.

۳. الهیات العالمیة للعلما المسلمین.



## ۲-۳. مرکز بین‌المللی ارتباطات فرهنگی ملک عبدالعزیز<sup>۱</sup>

«مرکز گفتگوی ملی ملک عبدالعزیز»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۴م برای ایجاد گفتمان اعتدال اسلامی در مقابل موج اسلام‌هراسی بین‌المللی تأسیس شد. هدف اصلی این مرکز، همراه ساختن نسل‌های جدید و مؤسسات مدنی و فرهنگی داخلی با گفتمان اسلام‌میان‌ه‌رو یا به تعبیر درست‌تر اسلام غیرسیاسی بود، اما دو سال گذشته تصمیم بر آن شد که این مرکز به تقویت گفتگوی بین‌ادیان و فرهنگ‌ها در سطح جهانی بپردازد. این مرکز در نوامبر ۲۰۲۳م با همکاری دولت‌های اسپانیا و واتیکان به مرکز بین‌المللی ارتباطات فرهنگی ملک عبدالعزیز تغییر اسم داد تا به‌عنوان یک سکو (پلتفرم) برای تسهیل تعاملات بین فرهنگی و مذهبی و با هدف ارتقای صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و کاهش تنش‌ها میان‌ادیان مختلف عمل کند [۱۷].

از جمله فعالیت‌های اخیر این مرکز با رویکرد دیپلماسی دینی و فرهنگی، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی با حضور رهبران ادیان مختلف جهان و طرح مسائل مشترک بین‌الادیانی، ایجاد شورای رهبری مسلمان - یهودی به منظور تقویت روابط میان مسلمانان و یهودیان در کشورهای اروپایی و انجام پروژه‌های آشتی مذهبی در کشورهایی مانند میانمار، نیجریه و جمهوری آفریقای مرکزی بوده است [۱۸].

از جمله موضوعاتی که در جلسات این مرکز تاکنون مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از:

- وحدت ملی و روابط و معاهدات بین‌المللی - ریاض، ۲۰۰۳م.

- افراط و اعتدال دیدگاهی جامع - مکه مکرمه، ۲۰۰۳م.

- زن: حقوق و وظایف او و رابطه با آموزش - مدینه منوره، ۲۰۰۴م.

- مسائل جوانان: واقعیت‌ها و آرزوها - طهران، ۲۰۰۴م.

- ما و دیگران: دیدگاهی ملی برای تعامل با فرهنگ‌های جهانی - ابها، ۲۰۰۵م.

- آموزش و راه‌های توسعه - الجوف، ۲۰۰۶م.

- زمینه‌های کار و استخدام: گفتگو بین جامعه و مؤسسات کاری - القصیم، ۲۰۰۸م.

- خدمات بهداشتی: گفت‌وگو بین جامعه و مؤسسات بهداشتی - نجران، ۲۰۱۰م.

- رسانه‌ها: واقعیت‌ها و راه‌های توسعه - الطائف، ۲۰۱۲م.

- افراطی‌گری و آثار آن بر وحدت ملی - تبوک، ۲۰۱۵م.

راهبردهای اصلی مرکز ارتباطات فرهنگی ملک عبدالعزیز بر اساس ادعای سایت رسمی آن، در محورهای زیر خلاصه می‌شود:

- تقویت فضای گفتگو و کاهش تنش بین‌ادیان.

- توسعه همکاری‌های بین‌المللی با نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی.

- آموزش و توانمندسازی رهبران مذهبی، جوانان و فعالان اجتماعی با هدف کسب مهارت‌های لازم برای مدیریت تنوع فرهنگی و دینی.

- حمایت از پناهندگان مسلمان در سراسر دنیا و کمک به ادغام آنها در جوامع جدید.

- ترویج فرهنگ صلح و عادی‌سازی روابط مسالمت‌آمیز بین‌ادیان با هدف توسعه سیاسی [۱۸].

## ۳-۳. مجمع جهانی جوانان مسلمان<sup>۲</sup>

«مجمع جهانی جوانان مسلمان» یک سازمان آموزشی اسلامی بین‌المللی است که هدف اصلی آن حفظ هویت جوانان مسلمان و کمک به حل

۱. مرکز الملک عبدالعزیز للتواصل الحضاری.

۲. مرکز الملک عبدالعزیز للحوار الوطني.

مشکلاتی است که آنها در جامعه مدرن با آن مواجه هستند. این سازمان، یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های مسلمان در جهان شناخته می‌شود و همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی و حلقه‌های تحقیقاتی را برای رسیدگی به مسائل جوانان و دانش‌آموزان برگزار می‌کند. همچنین، این مجمع مسابقات فوتبال و اردوهای اسکان پیشاهنگان مسلمان در اروپا را برای جوانان مسلمان در این قاره سازماندهی می‌کند. این مجمع به همراه «رابطه العالم الاسلامی» بخشی از یک شبکه جهانی از گروه‌های عمدتاً تأمین مالی شده توسط عربستان سعودی است که به گفته مدیران خود آموزه‌های اسلامی را ترویج می‌دهند و مسلمانان را به رعایت بیشتر اصول مذهبی تشویق می‌کنند و همچنین اطلاعاتی درباره اسلام به غیرمسلمانان و تازه‌مسلمان‌ها ارائه می‌دهند [۱۹]. این سازمان دارای شعبه‌های مختلف در ۳۱ کشور دیگر است و با حدود ۱۹۶ گروه جوانان مسلمان در پنج قاره همکاری دارد [۲۰].

مجمع جهانی جوانان مسلمان در سال ۱۹۷۲م در ریاض عربستان سعودی تأسیس شد و دارای دفاتری در کشورهای با جمعیت مسلمان قابل توجه در سراسر جهان است. این مجمع توسط یکی از اعضای اخوان المسلمین به نام دکتر کمال الهلباوی<sup>۱</sup> و عبدالله بن لادن (برادرزاده بنیانگذار القاعده، اسامه بن لادن) تأسیس شد. عبدالله بن لادن تا سال ۲۰۰۲ رئیس این سازمان بود و بعداً امور مالی آن را برعهده گرفت. دکتر هلباوی نیز تا سال ۱۹۸۲ مدیریت اجرایی این مجمع را برعهده داشت [۲۱].

پس از اتفاق ۱۱ سپتامبر، این مجمع تحت فشارهای رسانه‌ای و امنیتی زیادی قرار گرفت. در سال ۲۰۰۴م دفتر این مجمع در ویرجینیا توسط مأموران FBI ضبط شد. همچنین شعبه این مجمع در آلبانی نیز مورد بازرسی قرار گرفت و عناصر مظنون اخراج شدند. دولت هند نیز نذیر قریشی، معاون دبیر کل مجمع را به اتهام حمایت از گروه‌های تروریستی در کشمیر دستگیر کرد. شعبه پیشاور این مجمع نیز در عملیات مشترک FBI و اطلاعات پاکستان مورد بازرسی قرار گرفت [۲۲].

اما امروزه سیاست‌ها و رویکردهای این مجمع به‌طور کامل تغییر کرده و براساس همان رویکرد دولت عربستان به ترویج اسلام اعتدالی و خدمات اجتماعی و فرهنگی و همکاری با نهادهای بین‌المللی همچون یونیسف می‌پردازد و عناوین کنفرانس‌های سالیانه آن نیز بیشتر به نیازهای نسل جدید جوانان و مسئولیت‌های اجتماعی آنها می‌پردازد [۲۳].

#### ۴-۳. مرکز جهانی مبارزه با اندیشه‌های افراطی<sup>۲</sup>

این مرکز که «مرکز اعتدال» نیز نامیده می‌شود، به‌عنوان یک نهاد رسمی در عربستان سعودی، با هدف مبارزه با افراط‌گرایی و ترویج فرهنگ اعتدال در راستای اصلاحات فرهنگی دولت جدید عربستان و با حضور ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا و دیگر سران کشورهای عربی ۲۱ مه ۲۰۱۷م در ریاض تأسیس شد. این مرکز ادعا می‌کند که به دنبال تولید محتوای رسانه‌ای و آموزشی برای مقابله با افکار تکفیری و تروریستی است و به ایجاد فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و دیگر ادیان کمک می‌کند. دکتر منصور الشمیری، دبیر کل این مرکز است که مقالات او با موضوع مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم دینی در رسانه‌های عربستان منتشر می‌شود. از جمله نظریه‌های جدید او «افراط‌گرایی شبکه‌ای در بستر الگوریتم‌های دیجیتال»<sup>۳</sup> است. الشمیری معتقد است برخلاف افراط‌گرایی سنتی که ریشه در آموزش‌های ایدئولوژیک عمیق و ارتباطات سازمان‌یافته داشت، امروزه با نوعی افراط‌گرایی مواجهیم که بدون هیچ‌گونه زمینه قبلی یا نشانه ظاهری در

۱. دکتر کمال الهلباوی، متولد ۱۹۳۹م، نویسنده مصری، دانش‌آموخته دانشکده هنر و ادبیات در سال ۱۹۶۰ و فارغ‌التحصیل از دانشگاه آمریکایی قاهره (American University in Cairo) در سال ۱۹۷۱ در رشته مدیریت بازرگانی. برخی مناصب ایشان عبارت‌اند از: عضو کمیسیون امور خارجه مجلس شورای اسلامی اروپا در لندن، بنیانگذار اتحادیه مسلمانان انگلیس، سخنگوی رسمی سابق سازمان بین‌المللی اخوان المسلمین در غرب (شاخه جداشده از جماعت اخوان المسلمین)، عضو مؤسس مجمع جهانی جوانان مسلمان و مدیر اجرایی آن از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲؛ آخرین مسئولیت وی، رئیس هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی «ام‌آی‌سی (MIC)» در انگلستان از سال ۱۹۹۷ و ارادت ویژه‌ای نسبت به انقلاب و آیت الله خامنه‌ای دارند که می‌گوید: «من اصرار دارم که از لفظ «سید القاند، الامام خامنه‌ای» استفاده کنم زیرا بعد از امام خمینی (ره) ایشان رهبری امت اسلامی را بر عهده دارند». [۵۵]

۲. مرکز العالمی لمکافحة الفكر المتطرف (اعتدال).

۳. المتطرف الشبکی و الخوارزميات الرقمية.



بستر شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. این نوع افراط‌گرایان پیشینه مذهبی یا فکری منسجم ندارند و به صورت ناگهانی و بدون هشدار به مرحله اجرای عملیات خشونت‌آمیز می‌رسند [۲۴].

با این حال، برخی منتقدان بر این باورند که این مرکز بیشتر به عنوان ابزاری سیاسی برای کنترل مخالفان و سرکوب دیدگاه‌های اسلام سیاسی عمل می‌کند و آنها را به گروهک‌های تروریستی نسبت می‌دهد. برای مثال در گزارشی از روزنامه الشرق الاوسط برای سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۴م آمده است که بیش از ۱۸ میلیون پیام افراطی در پیام‌رسان تلگرام از سوی این مرکز حذف و به نویسندگان آنها تذکر داده شده است. همچنین ۶۰۰ کانال وابسته به سازمان‌های تروریستی کشف و مسدود شده که بیشتر مربوط به گروه‌های القاعده، هیئت تحریر الشام و داعش بودند [۲۵].

این انتقادات، به‌ویژه به این نکته اشاره دارند که مرکز اعتدال در واقع به دنبال ترویج اسلام غیرسیاسی و به تعبیر مدیران این مرکز، اسلام اعتدالی به روش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و ایجاد جنگ رسانه‌ای و شناختی است و در تلاش است تا صدای گروه‌های اسلامی که خواستار تغییرات سیاسی هستند را خاموش کند. در این راستا، برخی از ناظران معتقدند که فعالیت‌های این مرکز می‌تواند به تقویت انزوای در میان مسلمانان منجر شود و تلاش‌های واقعی برای گفت‌وگو و همزیستی را تحت‌الشعاع قرار دهد. بنابراین، سؤالاتی جدی درباره صداقت اهداف این مرکز و نقش آن در دیپلماسی دینی عربستان وجود دارد، به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از مسلمانان خواستار تغییرات سیاسی و اجتماعی هستند [۲۵].

در تأیید این دیدگاه‌های انتقادی، استیون ای. کوک، تحلیلگر ارشد شورای روابط خارجی آمریکا، نیز عملکرد مرکز جهانی مبارزه با اندیشه افراطی (اعتدال) را بیشتر تلاشی نمایشی از سوی حکومت سعودی برای بازسازی وجهه بین‌المللی خود می‌داند، نه اقدامی واقعی و اثربخش برای مقابله با ریشه‌های افراط‌گرایی. به باور او، این مرکز بیش از آن که بتواند در اصلاحات فکری و اجتماعی درون‌زا و مؤثر نقش ایفا کند، ابزاری تبلیغاتی است که هدف آن اقناع افکار عمومی جهانی و هموارسازی مسیر برای سیاست‌های داخلی کنترل‌گرایانه عربستان است [۲۶].

#### ۴. سیاست‌ها و راهبردهای دولت جدید عربستان در حوزه دیپلماسی دینی در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰

تحولات اخیر در سیاست‌های دینی عربستان سعودی تحت رهبری محمد بن سلمان نشان‌دهنده عزم جدی دولت جدید برای بازتعریف هویت دینی کشور و تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ است. این چشم‌انداز که در دوره ملک عبدالله برای سال ۲۰۲۵ و بیشتر بر مبنای توسعه اقتصادی طراحی شده است، در دوره بن سلمان به هدف افزایش گردشگری، رشد تعاملات بین‌المللی و احساس نیاز به تحولات اجتماعی، به یک چشم‌انداز فرهنگی - اقتصادی تبدیل شده است. سند ۲۰۳۰ عربستان سعودی به عنوان یک برنامه جامع اصلاحات، به‌طور خاص بر دیپلماسی دینی و فرهنگی تأکید دارد و هدف آن ارتقای وجهه بین‌المللی این کشور از طریق استفاده از قدرت نرم و ظرفیت‌های مذهبی و ایجاد تعادل میان هویت اسلامی و نیازهای مدرن جامعه عربستان است، به‌طوری که هم بتواند نقش رهبری اسلامی خود در دنیای امروز را حفظ کرده و هم از چالش‌های هویتی ناشی از تغییرات اجتماعی جلوگیری کند [۸].

عربستان با ترویج معارف اسلامی و حمایت از سازمان‌های اسلامی در خارج از کشور، به دنبال گسترش نفوذ خود در جهان اسلام و کاهش چالش‌های ناشی از اسلام سلفی است. در این راستا، رابطه العالم الاسلامی، مرکز بین‌المللی ارتباطات فرهنگی ملک عبدالعزیز، مجمع جهانی جوانان مسلمان، مرکز جهانی مبارزه با اندیشه‌های افراطی و دیگر نهادهای مرتبط به عنوان ابزارهای کلیدی در دیپلماسی فرهنگی عمل می‌کنند تا تصویر مثبت‌تری از عربستان سعودی را در عرصه جهانی ایجاد کنند. این رویکرد نه تنها به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در عربستان منجر شده، بلکه بر روابط این کشور با دیگر کشورها، از جمله کشورهای اسلامی نیز تأثیر داشته است. در ذیل به بررسی این سیاست‌ها پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۱. کاهش اختیارات وهابیت در ساختار سیاسی کشور و ترویج نسخه اسلام مدرن سعودی

با کشف نفت و تغییرات ژئوپلیتیکی و ظهور مدرنیته، نقش وهابیت در سیاست آل سعود کاهش یافت و حکومت سعودی به تدریج آن را به حوزه‌های اجتماعی محدود کرد. در واقع با توسعه مظاهر نوسازی در دولت آل سعود، وهابیت از یک جنبش دینی مشروعیت‌بخش به یک چالش ساختاری برای حکومت سعودی تبدیل شد [۵].

در دوران ولیعهدی محمدبن سلمان، عربستان سعودی تغییرات اساسی و بنیادینی در سیاست‌های دینی خود تجربه کرد. این تحولات با هدف کاهش نفوذ اسلام وهابی و ترویج اسلام مدرن سعودی طراحی شده‌اند. محمدبن سلمان در تلاش است تا هویت ملی جدیدی را برای عربستان ایجاد کند که از اسلام سیاسی فاصله بگیرد و به سمت رویکردی متسامح و مدرن پیش برود. این سیاست‌ها نه تنها تأثیرات عمیقی بر ساختار اجتماعی و فرهنگی عربستان داشته، بلکه روابط این کشور با دیگر کشورهای اسلامی و جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. یکی از نکات کلیدی در این تغییرات، بازتعریف رابطه میان آل سعود و وهابیت و تأثیر آن بر دیپلماسی دینی عربستان است. محمدبن سلمان در مصاحبه‌های خود به تاریخچه این رابطه اشاره کرده و بیان کرده است که آل سعود از ابتدا به دنبال هویت ملی عربی بوده و اندیشه وهابیت به‌طور ناخواسته به آن تحمیل شده است. او تأکید دارد که این خواست خود سعودی‌ها نبوده، بلکه اقتضات راهبردی زمانه، به‌ویژه در دوران جنگ سرد و اشغال افغانستان توسط شوروی، موجب استفاده از سلفی‌ها در سیاست‌های خارجی عربستان شده است [۲۷].

محمدبن سلمان در داخل کشور تلاش دارد که با اعمال محدودیت بر تبلیغات وهابیت و جلوگیری از مداخله گروه‌های سلفی در سیاست‌های داخلی، روایتی جدید از اسلام ارائه دهد. او حتی به بازخوانی مفاهیم فقهی نظیر حجیت قرآن و حدیث پرداخته تا نشان دهد روایت وهابی نمی‌تواند نماینده‌ای تمام‌عیار از اسلام باشد. در همین راستا، او در اقدامی نمادین، تاریخ رسمی تأسیس دولت سعودی را از زمان پیمان «محمد بن عبدالوهاب» و «محمد بن سعود» در سال ۱۷۴۴م به سال ۱۷۲۷م، یعنی زمان تأسیس حکومت جد خاندان آل سعود، «محمد بن سعود» در منطقه درعیه، تغییر داد و روز ۲۲ فوریه را با عنوان «یوم التأسیس» به‌عنوان روز ملی جدید عربستان معرفی کرد [۳]. این اقدام، از منظر بسیاری از ناظران، تلاشی برای فاصله‌گذاری تاریخی با سنت وهابی و تأکید بر ریشه‌های قبیله‌ای و ملی دولت سعودی بدون پیوند رسمی با محمد بن عبدالوهاب ارزیابی می‌شود. همچنین، محدودسازی اختیارات هیئت امر به معروف و نهی از منکر به وظایفی همچون ارشاد و اطلاع‌رسانی و تغییر رویکرد «هیئت کبار العلماء» از دیگر اقدامات ساختاری در راستای کاستن از نفوذ گفتمان وهابی در سیاست داخلی عربستان است [۲۸].

اما در عرصه بین‌الملل وضع متفاوت است. به‌ر حال عربستان که در ۵۰ سال گذشته دست کم ۷۶ میلیارد یورو صرف صدور جنبش مذهبی وهابیت کرده است [۲۹]؛ نمی‌تواند به یکباره منابع مالی و انسانی خود را در عرصه بین‌الملل کنار بگذارد و جایگاه ایدئولوژیک و استراتژیک خود را به کشورهای همچون امارات، قطر یا ترکیه واگذار کند. در چشم‌انداز ۲۰۳۰ نیز تأکید بر دیپلماسی دینی وجود دارد، اما در سال‌های اخیر، عربستان سعودی حمایت خود را از مراکز، مساجد و پایگاه‌های سلفی در کشورهای مختلف مانند پاکستان و افغانستان قطع کرده است. این تغییر رویکرد، نشان‌دهنده تمایل عربستان به دوری از روایت سلفی از اسلام و پذیرش یک نسخه معتدل‌تر است. در این راستا، «رابطه العالم الاسلامی» تحت رهبری محمد العیسی مسئولیت ترویج اسلام متسامح را بر عهده گرفته و هیچ‌گونه مداخله سیاسی در امور ندارد و تمرکز آن بر امور اجتماعی از کمک‌های بشر دوستانه تا ساخت مسجد و مدرسه است [۱۱].

#### ۴-۲. تربیت رهبران و مبلغان اسلام معتدل در سراسر جهان

از جمله سیاست‌های به‌کارگیری قدرت نرم در عربستان سعودی تربیت مبلغین خارجی با هدف گسترش اندیشه اسلام معتدل و روادارانه در

1. <https://foundingday.sa/>



سراسر جهان است. عربستان سعودی به‌عنوان زادگاه اسلام، از سوی اکثریت مسلمانان جهان به‌عنوان مکانی مناسب برای دریافت آموزش‌های دینی محسوب می‌شود. در این کشور، برخی از مشهورترین دانشگاه‌های اسلامی جهان قرار دارد. در حال حاضر، بر اساس اطلاعات کیواس<sup>۱</sup>، حدود ۱۵۰۰ دانشجوی خارجی از سراسر جهان در دانشگاه امام محمد و حدود ۳۶۰۰ دانشجوی خارجی در دانشگاه سلطنتی ام‌القری مشغول به تحصیل هستند که تعداد بسیاری از آنها در رشته‌های علوم اسلامی و انسانی تحصیل می‌کنند و دانشگاه ام‌القری در میان تمامی دانشگاه‌های عربی در رتبه هفدهم قرار دارد [۳۰]. بنابراین، می‌توان با اطمینان گفت که عربستان سعودی «نسل جدیدی از رهبران و مبلغان دینی» را تربیت می‌کند که ممکن است به وطن خود بازگشته و اسلام را با تفسیر جدید که ضد نسخه اخوانی و مخالف با اسلام سیاسی است، تبلیغ کنند. البته در این میان، بسیاری از بورسیه‌ها مربوط به رشته‌های غیردینی است که البته در آنها نیز به‌صورت غیرمستقیم استراتژی نرم تبلیغ اسلام اعتدالی و اصلاح‌چهره و ویژگی‌ها در جهان وجود دارد [۸].

یکی دیگر از ابزارهای مهم «قدرت نرم» عربستان سعودی، تأمین مالی پروژه‌های ساخت مساجد در کشورهای دیگر است. این پادشاهی سالیانه حدود ۳ میلیارد دلار آمریکا برای این فعالیت‌ها هزینه می‌کند. عربستان در کنار ساخت مساجد در سراسر دنیا، مؤسسات آموزشی اسلامی و دانشگاه‌های مختلف را در خارج از کشور تأمین مالی می‌کند و بورسیه‌های تحصیلی متعددی را از دانشگاه‌های برتر دنیا دریافت کرده است. طبق آمارهای موجود، از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ (دوره سلطنت پادشاه فهد)، بیش از ۷۵ میلیارد دلار برای تأسیس ۲۰۰ کالج اسلامی، ۲۱۰ مرکز اسلامی، ۱۵۰۰ مسجد و ۲۰۰۰ مدرسه برای کودکان مسلمان در کشورهای با اکثریت مسلمان و غیرمسلمان هزینه شده است. عربستان همچنین به حمایت مالی از دانشگاه‌های برتر سراسر جهان می‌پردازد [۳۱].

اما باید گفت که محمدبن سلمان، به‌طور عملی به کاهش خطرات رادیکالیزه‌شدن مرتبط با برخی از شاخه‌های اندیشه سلفی علاقه داشته و سعی کرده است امنیت داخلی و منطقه‌ای را بهبود بخشد. یکی از نمونه‌های این رویکرد، بسته شدن آکادمی ملک فهد در آلمان و واگذاری کنترل مسجد بزرگ بروکسل بود. همچنین، گزارش‌هایی از کاهش حمایت مالی سعودی‌ها از مساجد سلفی در بالکان و اروپای غربی به دلیل گسترش ایدئولوژی‌های افراطی وجود دارد. کاهش حمایت از سلفی‌گری موجب شده که عربستان سعودی کمتر قادر به شکل‌دهی به گفتمان اسلامی جهانی باشد و احتمالاً اقتدار ایدئولوژیک خود را در کشورهایمانند یمن، پاکستان و بخش‌هایی از آفریقا از دست می‌دهد. به همین دلیل، محمدبن سلمان به‌جای سلفی‌گری، رویکردهای مختلفی برای تقویت نفوذ خارجی عربستان اتخاذ کرد و روابط خود را با کشورهای غربی، چین و روسیه گسترش داد. این تغییر جهت باعث تغییر در استراتژی‌های دیپلماسی اقتصادی عربستان شده است که شامل سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در زیرساخت‌ها، فناوری و بخش‌های ورزشی کشورهای خارجی است. به‌عنوان مثال، صندوق سرمایه‌گذاری عمومی (PIF) در حال بررسی تأمین مالی پروژه‌هایی مانند پایتخت جدید اندونزی (نوسانتارا) و خرید تیم فوتبال نیوکاسل یونایتد است [۱۷].

## جدول ۲. آمار هزینه‌های صورت گرفته در ۲۰ سال اخیر در حوزه دیپلماسی دینی عربستان [۳۲]

ردیف	کشور	خدمات صورت گرفته
۱	آمریکا	حمایت مالی از مؤسسه فناوری ماساچوست، دانشگاه هاروارد، دانشگاه بیل، دانشگاه استنفورد، دانشگاه برکلی کالیفرنیا و دانشگاه تگزاس
۲	کانادا	اسناد دیپلماتیک سعودی از سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ م که توسط ویکی‌لیکس فاش شده‌اند شامل گفتگوهای درباره یک کمک ۲۱۱,۰۰۰ دلاری به یک مدرسه در اتاوا و ۱۳۴,۰۰۰ دلار به یک مدرسه در میسیساگا کانادا هستند. همچنین در کانادا، عربستان با حمایت مالی ۵ میلیون دلاری در ساخت مسجد صلاح‌الدین تورنتو نقش داشته است.
۳	هلند	حمایت مالی از دانشگاه لایدن هلند

ردیف	کشور	خدمات صورت گرفته
۴	بلژیک	مسجد بروکسل در ۱۹۶۰ با حمایت عربستان تأسیس شد و به مرور مرکزی برای پناه دادن کارگران مراکشی که بیشتر فعالیت‌های تروریستی را هم داشتند تبدیل شده بود. عربستان در سیاست‌های جدید بن‌سلمان در سال ۲۰۱۸ از آن قطع حمایت مالی کرد.
۵	فرانسه	تأسیس مرکز اسلامی فرانسه
۶	انگلستان	دو دانشگاه انگلیسی آکسفورد و کمبریج، بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ بیش از ۲۳۳٫۵ میلیون پوند از منابع سعودی دریافت کردند که بخش عمده‌ای از این پول به مطالعات اسلامی، مطالعات خاورمیانه و ادبیات عرب اختصاص یافته است.
۷	بوسنی و هرزگوین	از پایان جنگ بوسنی تا سال ۲۰۰۷، سازمان‌های تأمین مالی شده توسط عربستان حدود ۷۰۰ میلیون دلار در بوسنی هزینه کردند، که اغلب صرف ساخت مساجد شد. تأمین مالی مسجد ملک فهد در سال ۲۰۰۰ م با مجموعه‌ای ۲۸ میلیون دلاری شامل یک مرکز ورزشی و فرهنگی نمونه این مساجد است.
۸	کوزوو	در کوزوو از زمان جنگ ۱۹۹۹، ۲۴۰ مسجد توسط عربستان ساخته شده است. کمیته مشترک سعودی برای امداد کوزوو و چچن تقریباً ۱۰۰ مسجد در مناطق روستایی ساخت که برخی از آنها دارای مدارس قرآنی مجاور بودند و ۳۸۸ معلم خارجی برای گسترش تفسیرهای خود از اسلام فرستاده شدند. تا سال ۲۰۱۶ آمار بانک مرکزی کوزوو نشان می‌دهد اعطای کمک‌های مالی عربستان میانگین ۱۰۰،۰۰۰ یورو در سال طی پنج سال گذشته بوده است.
۹	لهستان	در لهستان با اینکه اکثریت کشور کاتولیک بوده و جمعیت مردم مسلمان براساس سرشماری ۲۰۱۱ م فقط ۰٫۱٪ بودند، اما با حمایت مالی عربستان مرکز فرهنگی مسلمانان ورشو با هدف مهاجرت پناهندگان و دانشجویان خارجی از دولت‌های دارای اکثریت مسلمان با هزینه ۴،۰۰۰،۰۰۰ یورو توسط شیخ عبداللطیف الفوزان (رتبه ۵۱ در سال ۲۰۱۳ در لیست ثروتمندان عرب) ساخته شد. این ساختمان کاملاً مجهز بوده؛ دارای فروشگاه، رستوران، کتابخانه، مسجد و سالن ورزشی است.
۱۰	آنتیگوا و باربودا	در سال ۲۰۲۳، مدیرکل بنیاد توسعه عربستان، سلطان المرشد و نخست‌وزیر آنتیگوا و باربودا، گاستون براون، توافق‌نامه‌ای به ارزش ۸۰ میلیون دلار آمریکا برای تأمین مالی پروژه توسعه دانشگاه وست‌اینند در پنج جزیره در آنتیگوا و باربودا امضا کردند.
۱۱	قرقیزستان	مجمع جهانی جوانان مسلمان، تا سال ۲۰۱۷ در قرقیزستان تأمین مالی ساخت حدود ۷۰ درصد از مساجد را بر عهده داشته است. با استفاده از منابع این مجمع و همچنین حمایت مالی امارات متحده عربی، در سال ۲۰۱۲ میلادی در شهر اوش (قرقیزستان) بزرگ‌ترین مسجد آن زمان به نام مسجد سلیمان توو ساخته شد.
۱۲	آلبانی	عربستان سعودی با کمک بنیادهای مردمی «الحرامین» و «مُصَنَّفُ» (که در بریتانیا مستقر بودند) ۲۰۰ مسجد ساخت و یک میلیون نسخه از قرآن به زبان آلبانیایی اهدا کرد.
۱۳	هندوستان	در سال ۲۰۰۵، خاندان سعودی یک طرح ۳۵ میلیارد دلاری (معادل ۱،۷۵،۰۰۰ کرور روپیه) برای ساخت مساجد و مدارس دینی در شبه‌قاره تصویب کرد. بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳، ۲۵،۰۰۰ روحانی سعودی با ۲۵۰ میلیون دلار برای ساخت مساجد و دانشگاه‌ها و برگزاری سمینارها به هند آمدند و در مناطق شمال غربی و شرقی هند مستقر شدند. طبق اسناد دیپلماتیک سعودی منتشر شده توسط ویکی‌لیکس در سال ۲۰۱۵، اسامی ۱۴۰ مبلغ مسلمان تنها در کنسولگری سعودی در دهلی نو به عنوان کارمند ثبت شده است.
۱۴	بنگلادش	در بنگلادش، عربستان سعودی تأمین مالی ساخت ۱۴ هزار مسجد و مدرسه دینی را انجام داده است که امروزه توسط جنبش اسلامی دیوبندی‌ها مدیریت می‌شوند که در آنها تا ۱٫۴ میلیون دانش‌آموز بدون هیچ نظارت دولتی آموزش اسلامی می‌بینند. البته این گروه امروزه از سوی عربستان به‌عنوان تروریست شناخته می‌شود.
۱۵	اندونزی	از سال ۱۹۸۰، دولت عربستان، به صورت فردی یا توسط بنیادها و خیریه‌های دینی سعودی بیش از ۱۵۰ مسجد در اندونزی ساخته‌اند، یک دانشگاه بزرگ رایگان در جاکارتا و چندین مؤسسه زبان عربی تأسیس کرده؛ بیش از ۱۰۰ مدرسه شبانه‌روزی را با کتاب‌ها و معلمان تأمین کرده‌اند؛ مبلغان و معلمان را به این کشور آورده‌اند و هزاران بورس تحصیلی برای تحصیلات تکمیلی در عربستان سعودی اعطا کرده‌اند.

مأخذ: همان.



## ۳-۴. گسترش گردشگری مذهبی مبتنی بر چشم‌انداز ۲۰۳۰

سیاست‌های عربستان سعودی در زمینه توسعه گردشگری دینی در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰، بیش از آنکه صرفاً به عنوان راهکاری برای خدمت به زائران حرمین شریفین تلقی شود، به مثابه بخشی از پروژه‌های گسترده برای تنوع‌بخشی به اقتصاد وابسته به نفت و بهره‌برداری از ظرفیت‌های مذهبی کشور است. این سیاست‌ها که تحت عنوان برنامه «ضیوف الرحمن» معرفی شده‌اند، اگرچه در ظاهر بر بهبود تجربه زائران تمرکز دارند، اما در عمل نشانه‌هایی از اولویت‌دادن به منافع اقتصادی و مدیریتی بر نیازهای واقعی زائران دارند. درآمد سالیانه ۵٫۷ تا ۸ میلیارد دلاری حاصل از گردشگری مذهبی، به وضوح نشان می‌دهد که مراسم حج و عمره در این چارچوب، نه فقط رخدادهایی عبادی بلکه منابع درآمدی قابل توجهی برای دولت سعودی محسوب می‌شوند [۳۳]. با این حال، این نوع نگاه اقتصادی به شعائر دینی، می‌تواند به نادیده گرفتن ابعاد معنوی و هویتی حج منجر شود و تجربه زیارت را به فرایندی تجاری‌ساز یواستANDARD شده تقلیل دهد. همچنین، تمرکز شدید بر «ارتقای تجربه» در قالب‌های مدرن و دیجیتال، بدون توجه به تنوع فرهنگی و مذهبی زائران، می‌تواند نوعی همگن‌سازی و کنترل پنهان را در پی داشته باشد. از این رو، نقدهایی جدی نسبت به این رویکرد مطرح است؛ از جمله اینکه این سیاست‌ها بیشتر از اینکه در جهت ارتقای واقعی کیفیت خدمات زائران باشد، در خدمت تثبیت نقش عربستان به عنوان مرکز کنترل جریان دینی در جهان اسلام است. با مراجعه به سند ۲۰۳۰، اهداف کلیدی برنامه مزبور چنین بیان شده است:

– تسهیل میزبانی از زائران حج: هدف اصلی این برنامه افزایش تعداد زائران حج از ۸٫۵ میلیون در سال ۲۰۱۹م به ۳۰ میلیون تا سال ۲۰۳۰م است. این افزایش با فراهم کردن شرایط و امکانات مناسب برای پذیرش و خدمت‌رسانی به زائران حج واجب و عمره و تسهیل فرایندهای صدور ویزا و بهبود زیرساخت‌ها همراه خواهد بود.

– ارائه خدمات با کیفیت بالا: برنامه بر ارتقای کیفیت خدمات به زائران تأکید دارد تا رضایت آنها را جلب کند. هدف این است که بیش از ۸۵٪ از زائران از خدمات ارائه شده رضایت داشته باشند.

– ایجاد تجربه‌ای روحانی و فرهنگی: عربستان سعودی قصد دارد با معرفی و تأسیس مکان‌های تاریخی اسلامی و فرهنگی، تجربه‌ای غنی برای زائران فراهم کند. این موضوع شامل تأسیس و بهبود زیرساخت‌های لازم برای بازدید از این مکان‌هاست [۳۴]. اقدامات اجرایی که آل سعود ذیل اهداف کلیدی این برنامه انجام می‌دهد شامل موارد زیر است:

– توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل: بهبود دسترسی به حرمین شریفین از طریق توسعه شبکه حمل و نقل عمومی و خصوصی، شامل فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس.

– آموزش نیروی انسانی: ارتقای مهارت‌های کارکنان در حوزه خدمات گردشگری و دینی برای اطمینان از ارائه خدمات با کیفیت بالا.

– توسعه فناوری اطلاعات: استفاده از فناوری‌های نوین برای تسهیل فرایندهای ثبت نام و اطلاع‌رسانی به زائران، شامل اپلیکیشن‌های موبایل برای راهنمایی زائران.

– ایجاد ظرفیت‌های دینی در کنار مراسم حج: همچون تأسیس بزرگ‌ترین موزه اسلامی جهان که به تاریخ، هنر، علم و فرهنگ اسلامی می‌پردازد [۳۴].

از تأثیرات اقتصادی اقدامات عربستان در حوزه گردشگری دینی، افزایش درآمدهای ناشی از گردشگری دینی و ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف مانند هتلداری، حمل و نقل و خدمات مرتبط است که می‌تواند به تنوع اقتصادی کشور کمک کند [۳۴].

#### ۴-۴. ویژگی‌سازی برای هویت ملی جدید عربستان

با وجود همه تلاش‌های خاندان آل سعود و دولت عربستان برای استفاده از روایت «توحید» (وحدت) برای ملت عربستان، اما شواهد نشان‌دهنده رشد هویت منطقه‌ای - قبیله‌ای در اقشار مختلف جامعه عربستان حتی جوانان است [۳۵].

پیش از این دولت آل سعود همواره گرایش‌های قومی و ملی را با اهرم دینی و نفوذ وهابیت به حاشیه می‌برد. برای نمونه عالم بزرگ آنان، عبدالعزیز بن باز، که بعدها مفتی کشورش شد در رساله معروفش «نقد قومیت عربی در پرتو اسلام و واقعیت»<sup>۱</sup> عمیقاً از قومیت عربی انتقاد کرد، اما با گسترش فروش نفت و گران شدن قیمت نفت و قدرت یافتن دولت و انتقال مرکز ثقل جهان عرب از مصر به عربستان پس از شکست جنگ اعراب با اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، ناسیونالیسم نیز در عربستان سعودی به تدریج قوت پیدا کرد. این ناسیونالیسم که در ابتدا به دلیل فقدان تاریخ مستقل عربستان ضعیف بود، با اقدامات ملک فیصل بر مبنای سه عامل مذهب (وجود حرمین شریفین)، وهابیت و فرهنگ عربی تقویت شد. البته در این میان تحولات قرن جدید همچون انقلاب‌های فیسبوکی عربی در اوایل دهه ۲۰۱۰م و ظهور گروه‌های تکفیری داعش و القاعده، بر تقویت حس ناسیونالیستی عربستان تأثیر بیشتری گذاشت. با روی کار آمدن سلمان بن عبدالعزیز، تحولات جدیدی آغاز شد که هدف آن ایجاد یک دولت مدرن با تأکید بر ناسیونالیسم سعودی بود. این تغییرات به دلیل فشارهای اجتماعی، اقتصادی و تأثیر فضای مجازی بر نسل جوان شکل گرفت. در نهایت، ناسیونالیسم سعودی امروز در تلاش است تا با احیای میراث تاریخی و فرهنگی خود که روزی مظهر شرک از نگاه عالمان وهابی بود، هویت ملی را تقویت کند و به جامعه جهانی وارد شود [۷].

مهم‌ترین اقدامات دولت عربستان تحت چشم‌انداز ۲۰۳۰ برای ویژگی‌سازی هویت ملی جدید به شرح زیر است:

#### ۴-۴-۱. گسترش دیپلماسی فرهنگی

عربستان سعودی در دوره ملک سلمان در راستای گسترش دیپلماسی فرهنگی خود، اقدامات متعددی انجام داده است. یکی از این اقدامات تأسیس وزارت فرهنگ در سال ۲۰۱۸م است که به منظور ساماندهی و مدیریت فعالیت‌های فرهنگی و هنری ایجاد شده و به دنبال ترویج فرهنگ سعودی در سطح بین‌المللی است. این وزارتخانه همچنین از سال ۲۰۱۹م همکاری‌های خود را با یونسکو تقویت کرده و در راستای ارتقای جایگاه فرهنگی عربستان در سطح بین‌المللی، به عضویت کمیته میراث جهانی<sup>۲</sup> درآمده است. عربستان با برگزاری رویدادهای فرهنگی بزرگ مانند کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها، سعی در جلب توجه جهانی دارد. جشنواره بین‌المللی «موسم ریاض»<sup>۳</sup> نمونه این برنامه‌ها است که در راستای تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ تعریف شده است. در سال ۲۰۲۴ پنجمین دوره این جشنواره با صرف هزینه ۱٫۲ میلیارد دلار با دعوت از بزرگترین چهره‌های هنری جهان برگزار شد. در سه‌ماهه پایانی سال ۲۰۲۴، بیش از ۵۰۰٬۰۰۰ نفر از دارندگان کارت رواید از ۱۹۵ کشور جهان به ریاض سفر کردند؛ آماري که افزایش ۴۷٫۶٪ سالیانه در گردشگران بین‌المللی را نشان می‌دهد. حدود ۵۱٪ از این بازدیدکنندگان در رویدادهای موسم ریاض شرکت کردند. رویدادهای فرهنگی و ورزشی بزرگی مانند کنسرت عمر دیاب، تجربه هری پاتر، مسابقات کشتی کج حرفه‌ای<sup>۴</sup> و کنفرانس بین‌المللی بیابان‌زدایی<sup>۵</sup> نقش مهمی در افزایش این آمار داشتند [۳۶].

سرمایه‌گذاری در صنایع خلاق نیز از دیگر اقدامات عربستان است. دولت عربستان بیش از ۸۰۰ میلیون دلار برای فرهنگ و رسانه هزینه کرده تا سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب کند و به توسعه صنایع خلاق و سرگرمی کمک کند [۳۷].

عربستان همچنین از قدرت نرم به‌عنوان ابزاری برای بهبود وجهه بین‌المللی خود استفاده می‌کند. این کشور تلاش دارد تا تصویر خود را به‌عنوان یک کشور مدرن و پیشرفته معرفی کند که دارای فرهنگی غنی و متنوع است. در این راستا، ایجاد مؤسساتی نظیر مؤسسه هنری

۱. نقد القومیه العربیه علی ضوء الاسلام و الواقع.

2. World Heritage Committee

۳. موسم‌الریاض.

4. WWE

5. COP16



مسک<sup>۱</sup> که در نوامبر ۲۰۱۹م توسط بن‌سلمان تأسیس شده، نشان‌دهنده توجه ویژه عربستان به ترویج هنر و فرهنگ در سطح جهانی است. از جمله فعالیت‌های مؤسسه مسک برای تقویت دیپلماسی فرهنگی عربستان، برگزاری کنفرانس سالیانه «ابتکار سرمایه‌گذاری آینده»<sup>۲</sup> با دعوت از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران فرهنگی جهان، ایجاد شبکه تبادل دانش<sup>۳</sup> میان جوانان فعال در حوزه فرهنگ و رسانه در سراسر جهان و برگزاری نمایشگاه بین‌المللی هنر معاصر است [۳۸].

#### ۲-۴-۴. مدیریت رسانه‌ها برای بهبود تصویر عربستان جدید در ذهن مخاطب خارجی

در سال‌های اخیر، عربستان سعودی سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در حوزه رسانه و فضای مجازی انجام داده است تا تصویر خود را در سطح جهانی بهبود و نفوذ فرهنگی خود را افزایش دهد. شبکه‌هایی مانند العربیه و MBC نقشی کلیدی در تولید محتوای متنوع ایفا می‌کنند که به ترویج فرهنگ عربی و نمایش چهره‌ای مدرن از جامعه عربستان کمک می‌کنند. گروه پژوهش و رسانه سعودی (SRMG) نیز با تولید برنامه‌هایی که بر موضوعاتی مانند تحولات اجتماعی، حقوق زنان و اسلام میانه‌رو تأکید دارند، در این راستا فعالیت می‌کند. سریال‌هایی مانند «العاصوف» و «مخرج ۷» نمونه‌هایی از تولیدات این رسانه‌ها هستند که به نقد سیاست‌های دینی و اجتماعی پیشین عربستان می‌پردازند [۸]. یکی از پروژه‌های برجسته در این زمینه، سریال «معاویه» است که با سرمایه‌گذاری حدود ۱۰۰ میلیون دلار تولید شده است. این سریال که از آن به‌عنوان پرهزینه‌ترین سریال جهان عرب یاد می‌شود، در تونس، فیلم‌برداری شده و از شبکه MBC پخش شده است. هدف از تولید این سریال، بازنمایی شخصیت‌های تاریخی اسلام با روایتی خاص و ترویج نسخه‌ای مدرن و معتدل شده از تاریخ فرهنگی و سیاسی عربستان است. این اقدام، بخشی از تلاش‌های عربستان برای بازتعریف قهرمانان تاریخی و تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی است. این سریال با انتقادهای گسترده‌ای از سوی مورخان، علما و منتقدان هنری روبرو شده است. علاوه بر اینکه به دلیل اشتباهات تاریخی متعدد و ضعف در فیلمنامه و کارگردانی، نتوانسته انتظارات را برآورده سازد. منتقدان تأکید کرده‌اند که اثری با چنین هزینه‌ای، نباید گرفتار روایت‌های خلاف واقع، سطحی و تصویرپردازی‌های کلیشه‌ای از شخصیت مهمی چون معاویه بن ابی سفیان باشد. این مجموعه در حالی تلاش برای بازنمایی تاریخی دارد که متهم به تحریف وقایع و جهت‌دار بودن روایت در راستای اهداف سیاسی و فرهنگی عربستان شده است [۳۹].

علاوه بر این، عربستان سعودی سرمایه‌گذاری‌های کلانی در حوزه زیرساخت‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین انجام داده است. پروژه‌هایی مانند شهر هوشمند نئوم<sup>۵</sup> و تأسیس سازمان ملی برای داده‌ها و هوش مصنوعی<sup>۶</sup>، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند. هدف از این اقدامات، تبدیل عربستان به یک مرکز پیشرو در حوزه فناوری و جذب نسل جوان از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است.

#### ۳-۴-۴. گسترش نقش اجتماعی و سیاسی زنان با هدف تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰

در چارچوب برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰، دولت عربستان سعودی، اصلاحات گسترده‌ای را در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی آغاز کرده است که بخشی از آن، به مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های عمومی مربوط می‌شود. این سیاست‌ها در ظاهر با شعارهایی همچون «توانمندسازی زنان» و «تحول اجتماعی» مطرح می‌شوند، اما در عمل بیش از آنکه هدفی فرهنگی یا اجتماعی را دنبال کنند، با انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی شکل گرفته‌اند. دولت تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از نیروی کار زنان، بخشی از فشارهای اقتصادی ناشی از وابستگی به نفت را کاهش دهد و تصویر خود را در عرصه بین‌المللی بهبود بخشد، به طوری که تاکنون ۴۳.۰۸ درصد زنان در سمت مدیریت میانی و بالاتر از آن فعالند. این اصلاحات، هرچند در برخی شاخص‌های اقتصادی همچون نرخ اشتغال زنان تأثیرگذار بوده‌اند، اما در عین حال موجب تضعیف نهادهای

1. MISK
2. Future Investment Initiative (FII)
3. Misk Global Forum
۴. برای نمونه، دارالافتای مصر به دلیل نمایش چهره اهل بیت (ع)، صحابه و زنان پیامبر، پخش این فیلم را ممنوع اعلام کرد و یا دکتر محمد الضیونی، معاون شیخ‌الازهر در اولین واکنش رسمی الازهر به این سریال، به تحریف روایت‌های تاریخی با ارجاع به منابع ضعیف و جعلی توسط نویسندگان و تولیدکنندگان این سریال اشاره کرد. [۵۶]
5. Neom
6. SDAIA

سنتی و دینی در عربستان شده‌اند. بسیاری از این اقدامات، به صورت ناگهانی و بدون فراهم کردن بستر فرهنگی و دینی مناسب اجرا شده‌اند و در نتیجه، شکاف میان ساختار سنتی جامعه سعودی و سیاست‌های جدید را عمیق‌تر کرده‌اند. نهادهای دینی که در گذشته نقش محوری در شکل دهی به نظم اجتماعی ایفا می‌کردند، اکنون با محدودیت‌های قانونی، نظارتی و ساختاری مواجهند. این نهادها به تدریج از صحنه سیاستگذاری فرهنگی کنار گذاشته شده و نقش آنها به حوزه‌های کنترلی و نمادین تقلیل یافته است [۴۰].

از سوی دیگر، رسانه‌های سعودی با بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی تلاش کرده‌اند تا تغییرات اجتماعی، از جمله حضور زنان در مشاغل همچون مکانیکی، را به عنوان نشانه‌هایی از پیشرفت معرفی کنند. در حالی که این گونه بازنمایی‌ها، نه تنها با ساختار فرهنگی جامعه عربستان همخوانی ندارد، بلکه موجی از نارضایتی را در میان اقشار مذهبی و سنتی ایجاد کرده است. این قشر بر این باور است که تغییرات تحمیلی که عمدتاً با انگیزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه گردشگری انجام می‌شوند، بدون در نظر گرفتن هویت دینی جامعه، به فرسایش ارزش‌های اسلامی و کاهش مشروعیت نهادهای دینی می‌انجامد. در نهایت، گرچه دولت سعودی این اصلاحات را به عنوان گامی در جهت «توسعه پایدار» معرفی می‌کند، اما آثار جانبی آن، از جمله کاهش نقش دین در عرصه عمومی، تضعیف جایگاه علما و فاصله گرفتن جامعه از آموزه‌های سلفی، نشان می‌دهد که روند مدرنیزاسیون در عربستان بیش از آنکه در خدمت مردم یا ارزش‌های دینی باشد، در راستای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی کوتاه‌مدت طراحی شده است. این تحول ساختاری، پیامدهایی عمیق برای آینده اجتماعی و سیاسی کشور به دنبال خواهد داشت و نیازمند بازاندیشی جدی در رویکردهای فرهنگی دولت است [۱۱].

## ۵. چالش‌های پیش روی عربستان در مسیر بازتعریف تصویر بین‌المللی خود

سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی دولت عربستان در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰، اگرچه با هدف بازتعریف هویت ملی و بهبود چهره بین‌المللی عربستان طراحی شده‌اند، اما در عمل با موانع و نارسایی‌های متعددی مواجهه که برخی از آنها به واسطه تعارض با ساختار اجتماعی و دینی جامعه سعودی و برخی دیگر به علت شتاب‌زدگی و رویکرد نمایشی در اجرا، تشدید شده‌اند. چالش‌های پیش روی دولت عربستان در مسیر بازتعریف تصویر بین‌المللی خود را می‌توان اینگونه برشمرد:

### ۱-۵. تعارض هویتی میان ناسیونالیسم دولتی نوظهور و مرجعیت تاریخی دین سنتی

یکی از چالش‌های بنیادین دیپلماسی فرهنگی جدید عربستان، تلاش برای تلفیق دو منبع هویتی متعارض است: از یک سو، ناسیونالیسم دولتی نوظهوری که بر مفاهیمی چون «وطن»، «تمدن عربی»، «تاریخ پادشاهی» و «افتخار ملی» استوار است و از سوی دیگر، مرجعیت سنتی دین که دهه‌ها شالوده مشروعیت فرهنگی و اجتماعی حاکمیت را تشکیل داده است. این دو منبع هویتی، از حیث مبانی فکری، الگوهای رفتاری و مرجعیت ارزشی، با یکدیگر در رقابت و گاه در تضاد قرار می‌گیرند. دیپلماسی فرهنگی عربستان با اقداماتی همچون تقلیل نقش هیئت امر به معروف و نهی از منکر، حذف تدریجی اقتدار علمای سلفی در نظام حکمرانی فرهنگی، ترجیح سرمایه‌گذاری برای امور اجتماعی و عامه‌پسند تا تبلیغ اسلام سلفی در برنامه‌های «رابطه العالم الاسلامی» در شرایطی که دنبال بازنمایی یک چهره مدرن، ملی‌گرایانه و سکولارتر از جامعه عربستان در سطح بین‌المللی است که هنوز بخش قابل توجهی از سرمایه نمادین و روایت فرهنگی رسمی، بر گرفته از آموزه‌های دینی سنتی است. ناتوانی در هم‌افزایی این دو گفتمان سبب شده است که عربستان در طراحی یک روایت منسجم فرهنگی برای ارائه به جهان اسلام و جامعه جهانی با نوعی واگرایی درونی و شکاف هویتی و به تعبیری خلأ معنایی مواجه باشد. این تعارض، مشروعیت رویکردهای فرهنگی جدید عربستان در سطح داخلی و خارجی را تضعیف کرده و باعث چندپارگی پیام‌های فرهنگی صادره از این کشور شده است. در چنین شرایطی، دیپلماسی فرهنگی عربستان با دشواری‌هایی در ایجاد اعتماد، همدلی و اقناع مخاطبان مواجه است؛ چرا که پیام‌های فرهنگی آن از سوی بخش‌هایی از جامعه یا نخبگان منطقه‌ای، متعارض، ناسازگار یا فاقد اصالت تلقی می‌شود.



## ۲-۵. فقدان مشروعیت اجتماعی و اصالت فرهنگی در روایت‌های رسمی دولت‌محور

دیپلماسی فرهنگی عربستان بر پایه روایت‌های دولت‌محور، از جمله «اسلام میانه‌رو»، «تمدن عربستان جدید» و «هویت ملی نوین» گرچه در ظاهر به دنبال ساخت یک تصویر جهانی مدرن و جذاب از عربستان است، اما به دلیل نبود پیوند عمیق با حافظه تاریخی، هویت بومی و باورهای ریشه‌دار جامعه، از مشروعیت اجتماعی و اصالت فرهنگی کافی برخوردار نیست. بخش زیادی از این روایت‌های دولت‌محور همچون تغییر تاریخ تأسیس حکومت آل سعود یا تحریف تاریخ اسلام با سریال‌هایی همچون معاویه، به جای برآمدن از تجربه‌های تاریخی و زیست اجتماعی مردم، از بالا و در چارچوب اهداف سیاسی و اقتصادی حاکمیت طراحی شده‌اند. این گفتمان‌سازی از بالا به پایین، موجب شده است که مخاطب داخلی آن رانه به مثابه «روایت خود»، بلکه به عنوان طرحی تحمیلی یا تبلیغاتی درک کند. در این میان تلاش برخی چهره‌های دینی همچون «عائض القرنی» برای توجیه اصلاحات دولت عربستان نیز بی‌نتیجه باقی می‌ماند. در نتیجه، روایت‌های رسمی دیپلماسی فرهنگی عربستان با نوعی گسست از لایه‌های عمیق فرهنگ عمومی روبه‌رو هستند؛ گسستی که مانع از درونی‌سازی فرهنگی، مشارکت اجتماعی و بازتاب طبیعی این روایت‌ها در رسانه‌ها، هنر و کنش‌نخبگان شده است. این خلأ، نه تنها اثربخشی فرهنگی را در سطح ملی کاهش می‌دهد، بلکه قدرت اقناع و صدور روایت را در عرصه بین‌المللی نیز محدود می‌سازد.

## ۳-۵. وابستگی ساختاری به سرمایه‌گذاری خارجی در بازتعریف هویت فرهنگی و نمادین

در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰، بسیاری از پروژه‌های فرهنگی، هنری، گردشگری و رسانه‌ای عربستان - از جمله شهر نئوم، جشنواره‌های بین‌المللی مانند «موسم ریاض» و «جشنواره فیلم جده»، تأسیس موزه‌های ملی جدید و تأسیس مراکز هنرهای معاصر - متکی به سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، ویژندها و مشاوران فرهنگی غربی هستند. این وابستگی عمیق نه تنها در حوزه مالی، بلکه در سطوح طراحی مفهومی، مدیریت اجرایی و تولید محتوای فرهنگی نیز مشاهده می‌شود. این ساختار وابسته موجب می‌شود که بخش مهمی از روایت فرهنگی و نمادهای هویتی عربستان، نه برآمده از منابع بومی و تاریخی جامعه عربستان، بلکه برگرفته از مدل‌های وارداتی و منطق ویژندسازی جهانی باشد. برای نمونه، طراحی هویت شهری نئوم یا محتوای ارائه شده در جشنواره‌های جدید عمدتاً مبتنی بر الگوهای مصرف‌گرایانه، سکولار و نمایشی غربی است که با فرهنگ عمومی سنتی عربستان فاصله دارد. از منظر راهبردی، چنین وابستگی‌ای در بازتعریف هویت فرهنگی، چند پیامد مهم به همراه دارد:

**اول**، تضعیف خوداتکایی فرهنگی و بی‌ثباتی در صورت تغییر منافع یا خروج سرمایه‌گذاران خارجی؛

**دوم**، کاهش قدرت اقناع روایت‌ها در سطح داخلی، به‌ویژه در میان طبقات سنتی یا نخبگان فرهنگی بومی؛

**سوم**، شکل‌گیری نوعی هویت نمایشی که بیشتر برای مصرف خارجی ساخته شده تا برای تقویت انسجام اجتماعی و هویت ملی درونی. در این چارچوب، دیپلماسی فرهنگی عربستان در معرض این خطر قرار دارد که به جای بازتاب یک «روایت خودبنیاد ملی»، به واسطه و نمایندگی برای بازنمایی ارزش‌های فرهنگی و سبک زندگی جهانی شده (و نه بومی) تبدیل شود؛ موضوعی که می‌تواند در بلندمدت مشروعیت، ماندگاری و قدرت اقناع این دیپلماسی را محدود کند.

## ۴-۵. نمایش ظاهری مدرن‌نیزاسیون، بدون توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و نهادهای مشارکتی

یکی دیگر از چالش‌های کلیدی دیپلماسی فرهنگی عربستان، تکیه بر نمایش ظاهری مدرن‌شدن بدون توسعه هم‌زمان زیرساخت‌های اجتماعی و نهادهای مشارکتی است. اقدامات فرهنگی این کشور عمدتاً معطوف به پروژه‌هایی چون برگزاری جشنواره‌ها، کنسرت‌ها، توسعه سرگرمی‌های عمومی و افزایش حضور زنان در فضاهای اجتماعی بوده است؛ اما این تحولات فرهنگی، عمدتاً دولتی، نمایشی و از بالا به پایین هستند و در غیاب نهادهای مدنی مستقل، فرهنگ مشارکت اجتماعی و فضای باز نخبگانی، از درونی‌سازی و تداوم محرومند. در این شرایط،

تصویر خارجی عربستان از یک جامعه باز و پیشرو، با تجربه زیسته شهروندان در داخل کشور همخوانی ندارد؛ زیرا همچنان محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در عرصه عمومی مشهود است. برای نمونه، در حالی که رویدادهایی مانند «موسم ریاض» با تبلیغات گسترده برگزار می‌شود، امکان نقد فرهنگی، گفتگوهای آزاد یا فعالیت صنوف و انجمن‌های مردمی وجود ندارد. این گسست میان نمایش مدرنیته و واقعیت اجتماعی، مشروعیت دیپلماسی فرهنگی عربستان را در نگاه مخاطبان داخلی و خارجی تضعیف کرده و آن را در معرض بی‌اعتمادی و تلقی تبلیغاتی قرار داده است.

### ۵-۵. ارتقای سطحی جایگاه زنان بدون لحاظ پیوست‌های فرهنگی و اقناع نخبگانی و اجتماعی

یکی دیگر از چالش‌های دیپلماسی فرهنگی عربستان، تلاش برای ارتقای جایگاه زنان به صورت شتاب‌زده و عمدتاً نمادین، بدون پیوست‌سازی ملاحظات فرهنگی و اقناع نخبگان و بدنه اجتماعی است. در نتیجه، بخش‌هایی از جامعه به‌ویژه در میان محافظه‌کاران، این تغییرات را تحمیلی و بی‌ارتباط با ارزش‌های بومی تلقی می‌کنند؛ از سوی دیگر، نخبگان فکری و فرهنگی نیز به دلیل نبود مباحث انتقادی آزاد و نبود امکان گفتگو پیرامون این تحولات، کمتر در این فرایند مشارکت داشته‌اند. این شکاف میان تصمیم‌گیری سیاسی و اقناع اجتماعی باعث شده تا ارتقای نقش زنان، به‌رغم جلوه‌گری رسانه‌ای، در بسیاری موارد نتواند به تغییرات عمیق فرهنگی و اجتماعی منجر شود و در عمل، در تعارض با الگوی سنتی زن در این جامعه قرار گیرد. این وضعیت، کارایی دیپلماسی فرهنگی عربستان در استفاده از نقش زنان به‌عنوان نماد نوسازی و تحول اجتماعی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

### ۵-۶. خلأ در حافظه تاریخی مشترک و ناتوانی در بازسازی قهرمانان فرهنگی ملی

در روایت رسمی عربستان، تاریخ بیشتر به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت سیاسی خاندان آل سعود روایت شده و کمتر بر عناصر تمدنی، ادبی، علمی یا فرهنگی که بتوانند در ساحت بین‌المللی بازنمایی مؤثر داشته باشند، تمرکز شده است. به همین دلیل، عربستان با کمبود چهره‌های فرهنگی مقبول در حافظه عمومی و قابل عرضه به جهان مواجه است؛ چهره‌هایی که بتوانند حامل معنای فرهنگی و سرمایه نمادین برای ساخت روایت فرهنگی ملی باشند. تلاش‌هایی مانند معرفی شخصیت‌هایی نظیر «ملک عبدالعزیز» به‌عنوان بنیانگذار پادشاهی یا بزرگ‌نمایی نقش «ملک فیصل» و معرفی او به‌عنوان قهرمان ملی، بیشتر در قالب روایت سیاسی باقی مانده و کمتر به یک هویت تاریخی - فرهنگی عامه‌پسند و الهام‌بخش تبدیل شده‌اند. در نتیجه، دیپلماسی فرهنگی عربستان با خلأیی در ارائه چهره‌های وحدت‌بخش، نمادهای هویتی و خاطرات مشترک مواجه است؛ خلأیی که انسجام فرهنگی درونی را تضعیف کرده و از توان این کشور برای تولید روایت‌های فرهنگی معتبر و اقناع‌کننده در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌کاهد.

### ۵-۷. مقاومت اجتماعی در برابر پیاده‌سازی اصلاحات فرهنگی

مقاومت اجتماعی، ریشه در تضاد بنیادین میان جهت‌گیری‌های فرهنگی جدید و ارزش‌های دینی و اجتماعی نهادینه شده در جامعه سعودی دارد. اصلاحات فرهنگی عربستان، به‌ویژه در دوره اخیر، با شتابی چشمگیر و به‌صورت متمرکز از بالا به پایین اجرا شده‌اند؛ بدون آنکه برای آنها پیش‌زمینه‌سازی فرهنگی، اقناع نخبگانی، یا مشارکت اجتماعی فراهم شود. تغییر در پوشش زنان، برگزاری کنسرت‌ها و جشنواره‌های موسیقی بدون رعایت حدود شریعت اسلامی، ورود عناصر جدید به فضای عمومی مانند گردشگری سرگرم‌کننده یا ترویج سبک زندگی غربی، برای جامعه سنتی و مذهبی عربستان به‌خصوص قبایلی مانند نجد یا بخش‌هایی از حجاز، نه تنها بیگانه، بلکه تهدیدآمیز تلقی می‌شوند. مقاومت در برابر این اصلاحات، الزاماً علنی یا سازمان‌یافته نیست؛ اما به شکل اعتراضات خاموش، بی‌اعتمادی، طرد اجتماعی نخبگان فرهنگی و وابسته به دولت و کاهش مشارکت مدنی بروز یافته است. در مواردی نیز، علمای سنت‌گرا و شخصیت‌های مذهبی غیررسمی، از



طریق شبکه‌های اجتماعی یا محافل غیررسمی، نسبت به این تحولات ابراز نگرانی کرده و آن را نوعی استحاله فرهنگی دانسته‌اند که البته با برخورد و محدودیت‌هایی از سوی حکومت مواجه شده‌اند که نمونه آن حذف محمد بن عبدالرحمن العریفی از شبکه‌های اجتماعی است. در این فضا، دیپلماسی فرهنگی عربستان با نوعی شکاف بین فرستنده و گیرنده پیام فرهنگی روبه‌رو است. پیام‌های فرهنگی که از دولت و نهادهای فرهنگی جدید صادر می‌شوند، در بخش‌هایی از جامعه با پذیرش مواجه نمی‌شوند، یا حتی به‌عنوان پروژه‌های تبلیغاتی، استبدادی یا غرب‌زده نگریده می‌شوند. در نتیجه، این اصلاحات نه تنها موجب هم‌گرایی اجتماعی نشده‌اند، بلکه واگرایی فرهنگی و بی‌اعتمادی میان مردم و دولت را در برخی حوزه‌ها تشدید کرده‌اند.

## ۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها



تحولات فرهنگی - اجتماعی عربستان سعودی در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰، نمایانگر نوعی «دیپلماسی فرهنگی اقتدارگرا» است که در آن دولت سعودی تلاش کرده تا از ابزارهای متنوع فرهنگی برای بازسازی تصویر بین‌المللی خود، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مهندسی هویت ملی جدید و تثبیت قدرت سیاسی بهره‌گیرد. دیپلماسی فرهنگی عربستان در این مسیر از سیاست‌هایی چون تأسیس نهادهای فرهنگی رسمی (مانند وزارت فرهنگ و مؤسسه مسک)، برگزاری رویدادهای بین‌المللی (جشنواره‌های موسم ریاض، کنفرانس‌های هنری و سرمایه‌گذاری)، تولیدات رسانه‌ای هدفمند (همچون سریال معاویه) و ترویج نقش اجتماعی - رسانه‌ای زنان استفاده کرده است. در کنار اینها، بازتعریف مفاهیم دینی و تضعیف نهادهای سنتی مذهبی، با هدف تطبیق دین با منطق توسعه اقتصادی، از جمله محورهای راهبردی این نوع دیپلماسی فرهنگی بوده است. با این حال، دیپلماسی فرهنگی عربستان با چالش‌های اساسی روبه‌روست. از یک سو، شکاف میان الگوی فرهنگی تحمیلی و بافت سنتی جامعه سعودی، مقاومت‌های پنهان و آشکار اجتماعی را تقویت و مشروعیت فرهنگی سیاست‌ها را تضعیف کرده است. از سوی دیگر، تقلیل فرهنگ به کالای نمایشی و تفریحی، نبود انسجام روایی در سیاست‌های فرهنگی و استفاده ابزاری از عناصر هویتی مانند زن، دین یا قبیله، از عمق و اصالت دیپلماسی فرهنگی عربستان کاسته است. در واقع، آنچه در قالب بازسازی تصویر فرهنگی عربستان ارائه می‌شود، بیشتر نوعی مهندسی نمادین با اهداف سیاسی و اقتصادی است تا تلاشی واقعی برای تعامل فرهنگی پایدار با جهان. دیپلماسی فرهنگی سعودی بیش از آنکه یک فرایند اجتماعی مشارکت‌محور باشد، پروژه‌ای از بالا به پایین و وابسته به اراده سیاسی حاکمیت است که در صورت تغییر منافع یا شرایط سیاسی، ممکن است با بازنگری یا عقب‌نشینی همراه شود. از این رو، به‌رغم برخی دستاوردهای نمادین در سطح جهانی، این الگو در داخل کشور با بحران مشروعیت فرهنگی و فرسایش سرمایه اجتماعی روبه‌رو است.

برای جمهوری اسلامی ایران، مطالعه این تجربه از منظر انتقادی می‌تواند حاوی درس‌های مهمی باشد و با درکی درست از تحولات اخیر عربستان، می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای تقویت دیپلماسی فرهنگی و دینی خود تعریف کند. این فرصت‌ها در چند محور اصلی قابل شناسایی است:

۱. **بهره‌گیری از خلأ معنایی ایجاد شده در جامعه عربستان:** کاهش نفوذ نهادهای دینی سنتی، فضا را برای ارائه قرائت‌های معتدل‌تر و شاید وحدت‌گرایانه‌تر از اسلام فراهم کرده است. ایران می‌تواند با ترویج گفتگوی فرهنگی و مذهبی و تأکید بر اشتراکات جهان اسلام، این خلأ را به فرصتی برای نقش‌آفرینی نرم تبدیل کند.

۲. **استفاده از دیپلماسی فرهنگی در بستر ملی‌گرایی جدید سعودی:** گرایش عربستان به بازتعریف هویت ملی، فرصتی برای تأکید بر اشتراکات تمدنی و تاریخی با ایران ایجاد می‌کند. ایران می‌تواند با تمرکز بر عناصر مشترک و سابقه تعاملات فرهنگی - تاریخی در دوره‌های پیش از اسلام و صدر اسلام، زبان، ادب، هنر، معماری و حتی پیوندهای فکری در تمدن اسلامی، زمینه گفتگوهای فرهنگی و نزدیکی ذهنی را با نخبگان، دانشگاهیان و عموم مردم عربستان فراهم آورد و از این رویکرد در جهت کاهش تنش‌ها و بازسازی اعتماد بهره‌گیرد.

۳. توسعه تعاملات هدفمند با نخبگان فرهنگی و علمی عربستان: عربستان سعودی در تلاش است تا با اصلاح نظام آموزشی و تقویت زیرساخت‌های فرهنگی و هنری، خود را به عنوان یک بازیگر فرهنگی مؤثر در جهان عرب و اسلام معرفی کند. این دگرگونی، فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد تا با نخبگان فرهنگی، دانشگاهی و پژوهشی عربستان وارد تعاملات هدفمند و سازنده شود. ایران می‌تواند با شناسایی افراد و مراکز علمی و فرهنگی مؤثر در عربستان - از دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و اندیشکده‌ها گرفته تا هنرمندان، نویسندگان و فعالان فرهنگی - به طراحی و اجرای طرح‌های مشترک بپردازد. این طرح‌ها می‌توانند در قالب همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی مشترک درباره تمدن اسلامی یا مسائل معاصر جهان اسلام، تولیدات هنری همچون فیلم، مستند یا آثار نمایشی با موضوعات فرهنگی مشترک، دوره‌های آموزشی و مبادلات استاد و دانشجو میان دانشگاه‌های دو کشور، ترجمه متون علمی و ادبی از فارسی به عربی و بالعکس و سایر فعالیت‌های مشابه تعریف شوند.

۴. استفاده از ظرفیت‌های معنوی حج و مناسک دینی: حج، به عنوان مهم‌ترین بستر معنوی، اجتماعی و دینی جهان اسلام، همچنان ظرفیتی ارزشمند برای تقویت پیام وحدت اسلامی، تعامل نخبگان شیعه و سنی و بازسازی اعتماد میان ایران و عربستان است. ایران می‌تواند از این تعاملات برای برقراری گفتگوهای میان مذهبی، رفع سوء تفاهم‌ها و ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز بهره گیرد. همچنین، برگزاری نشست‌های علمی و فرهنگی یا تولید محصولات مشترک رسانه‌ای در حاشیه مراسم حج - با رعایت ملاحظات عربستان - می‌تواند به درک متقابل میان دو ملت کمک کند.

۵. تمرکز بر تهدیدات مشترک فراملی با تأکید بر گفت‌وگو و وحدت اسلامی از منظر حقوق بشر اسلامی: ایران می‌تواند با برجسته‌سازی چالش‌های مشترک جهان اسلام نظیر اسلام‌هراسی، تضییع حقوق مسلمانان در مناطق بحران‌زده و افراط‌گرایی مذهبی، زمینه هم‌گرایی فرهنگی با عربستان را فراهم کند و از گسترش نفوذ بازیگران ثالث (مانند ترکیه و قطر) در عرصه فرهنگی عربستان غفلت نکند.

۶. استفاده از ابزارهای دیپلماسی رسانه‌ای: این امر، نیازمند توسعه شبکه‌های رسانه‌ای فراملی به زبان عربی با تمرکز بر مخاطبان سعودی و حوزه خلیج فارس و تولید محتوای فرهنگی، تاریخی و تمدنی درباره نقاط اشتراک ایران و عربستان (مانند دوران پیشا اسلام، صدر اسلام و میراث مشترک حجاز و ایران) برای پلتفرم‌های دیجیتال است.

۷. فعال‌سازی دیپلماسی شهری، هنری و ورزشی با محوریت مشارکت مردمی و نقش زنان: برگزاری هفته‌های فرهنگی، نمایشگاه‌های هنری مشترک، تولید فیلم و مستندهای مشترک و همچنین مسابقات ورزشی دوستانه (به ویژه با مشارکت زنان ورزشکار محجبه ایرانی) می‌تواند نوعی تعامل غیررسمی، نرم و تدریجی را رقم بزند. این امر، به ویژه با توجه به تغییرات اجتماعی در عربستان و ظهور نقش‌های جدید برای زنان، از ظرفیت بالایی برای تأثیرگذاری فرهنگی برخوردار است.

در نهایت این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در چارچوب تحولات بوم‌فرهنگ<sup>۱</sup> اخیر منطقه، بازتعریف نقش ایران در عرصه‌های فرهنگی و تمدنی جهان اسلام، ضرورتی راهبردی است.



## منابع و مأخذ



- [۱]. عبدالحمید، صائب (۱۹۹۵ م). ابن تیمیة فی صورتة الحقیقة، بیروت: الغدیر للدراسات و النشر.
- [۲]. کشیشیان، جوزیف (۲۰۰۳ م). الخلافة فی العربیة السعودیة، بیروت: دار الساقی.
- [۳]. مصعب، هاله (۱۸ ژانویه ۲۰۲۳ م). «التأسيس لیوم التأسيس: نزع الوهابیة من التاریخ السعودی (تأسيس برای یوم التأسيس: وهابیت زدایی از تاریخ عربستان)»: <https://a3wadqash.com>
- [۴]. طاهری، محمدرضا (۱۳۹۴). وهابیت و استمرار حاکمیت آل سعود، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، ش چهارم.
- [۵]. الدخیل، خالد (۲۰۱۳ م). الوهابیة بین الشرك و تصدی القبیلة، بیروت: الشبكة العربیة للأبحاث و النشر.
- [۶]. کامینز، دیوید (۱۳۹۸). وهابیت و عربستان سعودی، ترجمه مجتبی فاضلی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- [۷]. مسجدجامعی، محمد (۱۴۰۱/۰۸/۱۶). عربستان و ناسیونالیسم سعودی؛ دین، سیاست و ملیت، سایت دانشگاه ادیان و مذاهب: <https://urd.ac.ir/fa>
- [۸]. قزوینی، سید یاسر (۱۴۰۳/۹/۷). مصاحبه اختصاصی با موضوع کارکردهای اجتماعی نهاد دین در عربستان سعودی.
- [۹]. الرشید، مضاوی (۱۴۰۲). تاریخ عربستان سعودی، ترجمه سارا حسام، تهران: انتشارات جمهوری.
- [۱۰]. صفوی، سلمان (۱۴۰۱/۰۶/۲۸). تاریخ تحولات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی عربستان در سده معاصر، تهران: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC.
- [۱۱]. درویشی، داریوش (۱۴۰۳/۹/۱۳). مصاحبه اختصاصی با موضوع کارکردهای اجتماعی نهاد دین در عربستان سعودی.
- [12]. Ibrahim, Arwa. (2022-05-16). "What is Sahwa, the Awakening movement under pressure in Saudi?": [www.aljazeera.com](http://www.aljazeera.com)
- [۱۳]. عائض القرنی متحولاً: الصحوة تشدد و اردوغان یهاجمنا. ۲۰۱۹/۵/۱۹: [www.aljazeera.net](http://www.aljazeera.net)
- [۱۴]. النقیب، خلدون حسن (۱۹۹۶ م). الدولة التسلطیة فی المشرق العربی المعاصر، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
- [۱۵]. العبودی، محمد ناصر (۱۴۳۲ هـ ق، ۲۰۱۲ م). الامام بالمحیط الهادی من استرالیاء الی جزیرة غوام، ریاض: مکتبة الملک فهد الوطنیة.
- [۱۶]. سایت رسمی رابطه العالم الاسلامی: <https://themwl.org>
- [17]. Alghannam, Hesham. (2024). "Influence Abroad: Saudi Arabia Replaces Salafism in its Soft Power Outreach": [www.carnegieendowment.org](http://www.carnegieendowment.org)
- [۱۸]. سایت رسمی مرکز عبدالعزیز است: [www.kaccc.org.sa](http://www.kaccc.org.sa)
- [19]. "Muslim World League and World Assembly of Muslim Youth". Religion and Public Life Project. Pew Research. 15 September 2010. Archived from the original on 5 September 2014. Retrieved 2 September 2014.
- [20]. "World Assembly for Muslim Youth". Berkley Center for Religion Peace and World Affairs, Georgetown University. Archived from the original on 18 August 2016. Retrieved 2 September 2014.
- [21]. Al-Yassini, Ayman (1985). Religion and State in the Kingdom of Saudi Arabia. Westview Press. p. 28. (Markon. 2004).

[22]. Markon, Jerry (2 June 2004). "U.S. Raids N.Va. Office Of Saudi-Based Charity". Washington Post. Retrieved 3 September 2014.

[۲۳]. سایت رسمی مجمع جهانی جوانان مسلمان: [www.wamy.co.za](http://www.wamy.co.za)

[۲۴]. سایت رسمی مرکز جهانی مبارزه با اندیشه‌های افراطی: <https://etidal.org>

[۲۵]. الشرق الاوسط (۲ جولای ۲۰۲۴): «اعتدال» و «تلگرام» یزیلان اکثر من ۱۸ میلیون محتوی متطرف («اعتدال» و «تلگرام» بیش از ۱۸ میلیون محتوای افراطی را حذف کردند): <https://aawsat-com>

[26]. Cook, S. A. (2017, May 23). Saudi Arabia's New "Anti-Terrorism" Center Is Just for Show. Foreign Policy: <https://foreignpolicy.com>

[۲۷]. بن سلمان، محمد (۲ آوریل ۲۰۲۲م)، مصاحبه با نشریه آتلانتیک: <http://www.theatlantic.com>

[۲۸]. روزنامه الرياض. (۲۰۱۶/۴/۱۲). منع الهیئة من المطاردة واستجواب الأشخاص والاكتفا بمعاملتهم باللین، (ممانعت از تعقیب و بازجویی مقامات و برخورد ملایم با آنها).

[۲۹]. شرودر، سوزانه. (۱۳۹۶/۴/۱۸). صدور اسلام‌گرایی افراطی عربستان به آلمان، گزارش مرکز تحقیقات جهانی اسلام (FFGI) در شهر فرانکفورت، به نقل از خبرگزاری دویچه وله: [www.dw.com](http://www.dw.com)

[۳۰]. برگرفته از سایت: [www.topuniversities.com](http://www.topuniversities.com)

[۳۱]. حسینی، محمدتقی. (۱۳۹۴/۳/۳). عربستان سعودی بر سر دوراهی، خبرآنلاین: [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)

[۳۲]. برگرفته از منابع زیر است:

Wagemakers, Joas (2021). "Part 3: Fundamentalisms and Extremists – The Citadel of Salafism". In Cusack, Carole M.; Upal, M. Afzal (eds.). Handbook of Islamic Sects and Movements. Brill Handbooks on Contemporary Religion. Vol. 21. Leiden and Boston: Brill Publishers. pp. 333–347

Kepel, Gilles (2003). Jihad: The Trail of Political Islam. London and New York: I.B. Tauris. p. 51.

Tariq Mir, "Kashmir: The Rise of a Hard Faith Archived 2016-03-04 at the Wayback Machine," Pulitzer Center on Crisis Reporting, December 13, 2011

According to diplomat and political scientist Dore Gold, this funding was for support for Saudi approved Islam in Non-Muslim countries alone. Gold, Dore (2003). Hatred's Kingdom: How Saudi Arabia Supports the New Global Terrorism. Regnery. p. 126.

Pillalamarri, Akhilesh (20 December 2014). "The Radicalization of South Asian Islam: Saudi Money and the Spread of Wahhabism". Georgetown Security Studies Review. Retrieved 10 November 2015.

[۳۳]. الجابر، مریم (۲۴ ژانویه ۲۰۲۱). بالصور. ۶ مواقع أثرية سعودية في قائمة اليونسكو (گزارش تصویری... ۶ میراث باستانی عربستان در فهرست یونسکو)، خبرگزاری العربیه: [www.alarabiya.net](http://www.alarabiya.net)

[۳۴]. سند ۲۰۳۰ عربستان سعودی: [www.vision2030.gov.sa](http://www.vision2030.gov.sa)



[35]. Maisel, Sebastian. (2014). "The New Rise of Tribalism in Saudi Arabia", Nomadic Peoples, Vol. 18, No. 2, special issue: Reshaping Tribal Identities in the Contemporary Arab World (2014), pp. 100 -122 (23pages), Published By: White Horse Press.

[36]. Visa. (2025, February 18). »Riyadh Season Adds Sparkle to Saudi Economy with 47.6% Surge in International Visitors, Visa Data Shows«. Visa Middle East Newsroom.

Retrieved from: [sa.visamiddleeast.com](http://sa.visamiddleeast.com)

[37]. سعیدی، گلناز. (۱۶ فروردین، ۱۴۰۲). تغییرات در سیاست و دیپلماسی فرهنگی عربستان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح – IPSC.

[38]. برگرفته از سایت مؤسسه میسک: <https://misk.org.sa>

[39]. صفار، اسامه. (۲۵/۳/۲۰۲۵م). بین‌المغالطات تاریخی و البذخ الإنتاجی.. هل فشل مسلسل معاویة؟، شبکه الجزیره.

[40]. چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی به توانمندسازی اقتصادی زنان منجر می‌شود. (۵ آوریل ۲۰۲۵م). ایندپندنت فارسی: [www.independentpersian.com](http://www.independentpersian.com)

[41]. Amadeo, Kimberley (2 August 2018). "Petrodollar and the system that created it". The Balance. Retrieved 19 October 2018: [www.thebalancemoney.com](http://www.thebalancemoney.com)

[42]. البکلی، جعفر (۱۹ می ۲۰۱۵م). "ناصر السعید: نه‌ایه رجل شجاع، روزنامه الاخبار، بیروت: [www.al-akhbar.com](http://www.al-akhbar.com)

[43]. شاهین، عبدالحی (۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰م)، (السروریة السعودیة).. ظاهرة أم تیار فکری؟، روزنامه الرایة، دوحه: [www.raya.com](http://www.raya.com)

[44]. ساعاتی، امین (۵ نوامبر ۲۰۱۷م). حركة الصحوة الإسلامية.. علامات استفهام كبيرة، روزنامه الاقتصادية، ریاض: [www.aleqt.com](http://www.aleqt.com)

[45]. Thomas Hegghammer. (2010), Jihad in Saudi Arabia: Violence and Pan-Islamism since 1979, Cambridge University Press: pp. 79 - 83.

[46]. خورشید، وحید (۲۴/۸/۱۳۹۳)، مدخل عبدالعزیز بن باز، بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی پژوهش، دانشگاه باقر العلوم: <http://pajoohe.ir>

[47]. الآمی، عهود (۱۴ اکتبر ۲۰۱۶م)، الحركات القومية واليسارية في السعودية (۲)، مجله کنعان: <https://kanaanonline.org/en>

[48]. یادداشت: جهیمان العتیبی. (۲۰۱۶/۲/۲۱)، خبر گزارى الجزیره: [www.aljazeera.net](http://www.aljazeera.net)

[49]. Gregory Gause III. (Autumn 1991), "The Gulf War and the Gulf Monarchies," Middle East Journal, Vol. 45, No. 4, pp. 627–639.

[50]. Lawrence Wright. (September 16, 2002), "The Man Behind Bin Laden," The New Yorker.

[51]. بن باز، عبدالعزیز (۱۹۹۶م). حکم الصلح مع اليهود فی ضوء الشريعة الإسلامية، ادارة البحوث العلمیة والإفتاء، المملكة العربية السعودية.

[52]. شعیب، قاسم (۲۷ دسامبر ۲۰۱۷م)، آل سعود والمؤسسة الدينية: تبدلات السیاسة و انقلاب الفتوى، مجله کنعان: <https://kanaanonline.org/en>

[53]. مدخل عائض القرنی. (۱۰ مه ۲۰۲۳م)، وبسایت رسمی المكتبة الشاملة: <https://shamela.ws> و یادداشت: مبیعات «لاتحزن»

بلغت ۱۰ ملايين نسخة وطُبع بلغه ۳۰. (۱۰ فوریه ۲۰۱۳م)، وبسایت خبری الاخبار ۲۴: [com.www.akhbaar24.com](http://com.www.akhbaar24.com)

[54]. سایت رسمی محمد العریفی: <https://arefe.ws> و یادداشت: تساؤلات حول مصير الداعية السعودية محمد العریفی بعد اعتقال ابنه

واختفائه من مواقع التواصل (پرسش‌هایی درباره سرنوشت مبلغ سعودی، محمد العریفی، پس از بازداشت پسرش و ناپدید شدن او از شبکه‌های

اجتماعی). (۳ ژانویه ۲۰۱۹م)، روزنامه القدس العربی: <https://www.alquds.co.uk/>

الهلباوی، کمال (خرداد ۱۴۰۱)، سید، مردی به پهنای اقیانوس، ترجمه میثم صفری، ویژه‌نامه رفیق دیرین، مجله افق حوزه، فصل پنجم: بین‌الملل.

أول تعليق رسمي من الأزهر على عرض مسلسل معاوية (أولین اظهار نظر رسمی الازهر درباره سریال معاویه). (سه شنبه، ۴ مارس ۲۰۲۵)،

سایت خبری مصراوی: [www.masrawy.com](http://www.masrawy.com)

#### گزیده سیاستی

نوسازی فرهنگی در عربستان، ابزاری برای مهندسی هویت و تثبیت قدرت و به تبع آن بهبود تصویر ملی عربستان و ارتقاء سطح دیپلماسی فرهنگی این کشور است؛ اما با چالش‌های مشروعیت دینی، هویت ملی و مشارکت اجتماعی روبه‌روست. این امور، فرصت تعامل نخبگان و تقویت گفتمان وحدت اسلامی را برای ایران فراهم می‌سازد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)